

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) عدد (۱۱۱)

رساله‌ای در فقه خمس

و ضمیمه آن

تهیه و تنظیم: علاء السالم

چاپ اول

۱۴۳۴ هـ.ق - ۲۰۱۳ م

آبان ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن عليه السلام

می توانید از وبسایت ما بازدید کنید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

نصیحت رساله:

سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند: (خداوند توفیقت دهد، مسائلی درباره خمس در کتاب جواب روشنگرانه و دیگر کتب مثل شرائع وجود دارند، اگر ممکن است آنها را گردآوری کن و کتابی در این باب بنویس که در آن توضیح و جرئیات خمس بصورت مفصل باشد که برادران و خواهران شما به موجب آن عمل کنند و اگر امور مبهمی وجود داشت، می‌توانی درباره آن سؤال کنی).

محمد بن زید طبری گوید: مردی از بازرگانان فارس که از پیروان امام رضا علیه السلام بود، به آن حضرت نامه‌ای نوشت و درباره خمس اجازه خواست، در پاسخ او نوشت که:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ان الله واسع كريم، ضمن على العمل الثواب، وعلى الضيق المهم، لا يجل مال الا من وجه احله الله، ان الخمس عوننا على ديننا، وعلى عيالاتنا، وعلى موالينا، وما نبذله ونشتري من اعراضنا ممن نخاف سطوته، فلا تزووه عنا، ولا تحرموا أنفسكم دعاءنا ما قدرتم عليه فان اخراجه، مفتاح أرزاقكم، وتمحيص ذنوبكم، وما تمهدون لأنفسكم ليوم فاقتكم، والمسلم من يفى الله بما عهد اليه، وليس المسلم من أجاب باللسان، وخالف بالقلب، والسلام).^(۱)

(بسم الله الرحمن الرحيم، به راستی خدا واسع است و کریم، بر هر کاری ضامن ثواب است و بر تنگ نظری غم و اندوه، هیچ مالی حلال نیست مگر از راهی که خدایش حلال کرده است و به راستی، خمس کمک ما است بر دین ما و بر عیالات ما و بر دوستان ما و وسیله بذل و بخشش ما است و حفظ آبروی ما از کسی که از او بیم داریم، آن را از ما دریغ ندارید و خود را از دعای ما محروم نسازید تا آنجا که می‌توانید، زیرا پرداخت خمس، کلید روزی شما است و مایه پاک شدن گناهان شما و ذخیره‌ای است که برای روز بی‌نوائی خود پس انداز کنید، مسلمان کسی است که برای خدا بدانچه او را عهده‌دار کرده وفا کند و بر عهده خود بپاید، مسلمان نیست کسی که به زبان پذیرا است و به دل مخالف است، و السلام).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً

مقدمه:

خداوند متعال می فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱).

(از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعاء کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست).

و آیه به وجوب خمس اشاره دارد؛ همان‌گونه که از آل محمد (علیهم‌السلام) این معنی وارد شده است. و قبل از هر چیز صحنه را برای قائم آل محمد سید احمد الحسن (علیه‌السلام) خالی می‌کنم که در مورد بعضی از آنچه که وجوب خمس و صاحب و حکمت و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی سخن بگویند؛ روزی از وی سؤال کرده، عرض کردم: آیا تعیین ابتدای سال خمسی مطلقاً واجب است؛ چه مکلف بداند که چیزی بر خرج سالیانه‌اش اضافه آمده است و چه نداند؟

فرمود: (خدا توفیقت دهد، خمس روز به روز است (روزانه محاسبه می‌شود)، چون مؤمن خود را هر روز محاسبه می‌کند و چون این موضوع بر مردم سخت است و چون آنها اعم از افراد و مؤسسات و شرکت‌ها عادت کرده‌اند که سالیانه به حسابرسی و دقت در حساب‌های خود پردازند، ما نیز گفتیم [خمس] سالیانه باشد؛ پس مؤمن باید خود را طی مدتی که حد اکثرش یک سال است محاسبه کند؛ یعنی سالی یک بار ولی برای او جائز نیست که این مدت را بیش از این قرار دهد.

و بدان که خمس از آن امام است و برای اوست که آن را در زمانی ساقط کند و در زمانی دیگر واجب، و واجب است که مدتی را که مؤمن در آن به محاسبه مالی خود می‌پردازد تعیین کند، پس می‌تواند آن را بجای روزانه ماهانه یا فصلی یا سالانه همان‌گونه که الان این گونه است و... الخ، تعیین کند.

و در خمس حکمت‌هایی است، از جمله: اگر خواست خداوند بر این بود که امام حکومت

کند، پس امام بوسیله آن شئون عامه مردم و نیازهای آنان و مخصوصاً فقرای آنان را بر طرف می‌کند، پس بوسیله خمس، امام می‌تواند بین مردم هم‌دردی و شراکت در روزی برقرار کند، پس نیاز و حاجت را از فقیران دفع می‌کند و عدل را بین مردم محقق می‌سازد. ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ وَعَلَى رَسُولِهِ وَمِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (۱).

(آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر و متعلق به خویشاوندان نزدیک و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توان‌گران شما دست به دست نگردهد. و آنچه را فرستاده به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است).

حال اگر سیستم اقتصادی کشورها را بررسی کنید، خواهید یافت که مالیاتی را مقرر می‌کنند و این مالیات در اکثر کشورها تقریباً به اندازه خمس است و مالیات نه اجری دارد و نه ثوابی برای آن است؛ پس کسانی که به خلیفه خدا در زمین کافرند و به حاکمیت مردم ایمان دارند، آن را به اجبار پرداخت می‌کنند؛ زیرا کشورها و حکومت‌ها آن‌ها را مجبور می‌سازند که خمس را تحت عنوان مالیات بپردازند ولی آن‌ها مال خود را می‌پردازند سپس حسرت آن را می‌خورند؛ زیرا آنان مال خود را برای برپایی حاکمیت مردم بر زمین پرداخته‌اند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (۲).

(آن‌ها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اند، در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گرد آوری خواهند شد).

در حالی که خداوند از روی رحمت خویش بر مؤمنان مقرر داشته که خود همین اموال را-

۱. الحشر: ۷.

۲. الأنفال: ۳۶.

به عنوان خمس- پردازند و در عین حال برای پرداخت آن به آنان ثواب دهد و با پرداخت کردن آن، آنها را پاک سازد. ﴿حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱).

(تو از اموال آنان صدقه‌ای را دریافت دار که بدان نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست).

انسان می‌تواند تمام زندگی خود بر روی این زمین را طاعت و عبادت قرار دهد و می‌تواند تمام زندگی خود بر روی این زمین را گناه و معصیت قرار دهد، فرق فقط این است که از خلیفه خدا پیروی کند یا از وی روی گرداند و از وی نافرمانی کند.

و بدان خدا تو را مسدد و استوار گرداند که خمس در بر پائی اقتصاد اسلامی عادلانه بسیار مهم است، زیرا اسلام به نظام سرمایه داری یا سوسیالیستی ایمان ندارد؛ بلکه خمس را در دست شخصی قرار می‌دهد که بطور قطع و یقین زاهد و عادل و در عمل و اجراء با حکمت است و با این کار:

همدردی و شراکت در روزی در بین مؤمنان و سرزمین‌های مؤمنان در اقتصاد اسلامی تضمین می‌شود، پس سرزمین اسلامی وجود نخواهد داشت که در کمال پرخوری باشد و سرزمینی دیگر از شدت و فشار فقر و حاجت آه بکشد و با این کار امور مالی فقراء و ایتام و بیوه‌ها اصلاح می‌شود و گرسنه و برهنه‌ای یا کسی که در برهنگی زندگی کند، باقی نمی‌ماند و این موضوع بازتاب مثبتی بر وضع اجتماعی جامعه مسلمانان خواهد داشت و پرخوری و فقر هر دو دارای اثر اجتماعی منفی هستند که دست کم موجب کاهش اخلاق بزرگ منشانه مثل کرم و همدردی و ایثار و بروز اخلاق پست و زشت مانند فساد جنسی و بخل و الخ می‌شود.

و پُر خور از پُر خوری خود و در پر خوری خود آسوده نخواهد ماند، در حالی که می‌بیند فقیر یا نیازمندی وجود دارد، بعد از این که وی و تمام جامعه ببینند که شخص موجود که وی خلیفه خدا در زمین است اموال خود را که خمس اموال است، برای مصلحت عامه مردم و

کفایت کردن و قوت دادن به محتاجین انفاق می‌کند و با این کار خلیفه خدا، انفاق اموال خمس، اسوه‌ای خواهد بود- با زهد خویش و دوری وی از زرق و برق دنیا علی‌رغم داشتن آن- که هر پر خوری را متذکر می‌کند و باعث می‌شود وی احساس کمبود و قصور و کوچکی کند و در حالی که وی (پر خور) در زرق و برق دنیا غرق شده است و در ناز و نعمت زندگی می‌کند در حالی که فقیر و محتاجی وجود دارد که از تنگدستی رنج می‌برد.

و این بسیار مهم است برای اصلاح اقتصادی مردم به عنوان جایگزین برای اسوه بد در جامعه انسانی همانطور که امروز این‌گونه است - و همانطور که همیشه در دولت طاغوت - طاغوت ثروتمند و در ناز و نعمت که بر جمع اموال حرص می‌ورزد، به هر شکلی و بدون هیچ حدی، این‌گونه بود تا آرزو و رغبت‌های شخصی خویش را محقق کند، و در نتیجه متأسفانه مثل جامعه با فقراء و ثروتمندان خود به سان سگ‌هایی خواهد بود که بر سر مرداری بجان هم افتادند و گلاویز شدند که قوی از آن پر خوری می‌کند و ضعیف دم خود را دور آن می‌پیچد در حالی که از درد گرسنگی زوزه می‌کشد.

خلیفه خدا در زمین همانطور که به عنوان اسوه دینی و اخلاقی و اجتماعی مهم است، نیز به عنوان اسوه اقتصادی که با آن خداوند اوضاع مردم را اصلاح می‌کند، بسیار مهم است، پس هنگام ایمان آوردن آنان وضع اقتصادی‌شان اصلاح می‌شود. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۱).

(و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم).

و مقصود این آیه فقط مدد الهی غیبی نیست؛ بلکه نیز مقصود آیه آن‌چه را که به عنوان سبب طبیعی مادی برای اصلاح اوضاع اقتصادی مردم تقدیم کردم، و آن خلیفه خدا در زمین و عمل و اقدام عادلانه و حکیمانه وی با خمس مال، که ملک شخصی وی است و عطای وی مثلی اعلا در زهد و دوری از خوشگذرانی و برآوردن حاجت محتاجان است.

و این محوری اساسی در اقتصاد اسلامی یا الهی یا یکی از مهم‌ترین اسباب تفاوت آن با هر

اقتصاد وضعی دیگر است.

اقتصاد اسلامی متمرکز بر خلیفه خدا است و بدون او ممکن نیست چیزی به اسم اقتصاد اسلامی یا الهی وجود داشته باشد که هدفش محقق کردن عدالت بین مردم باشد).

این مقداری از آن چیزی است که ایشان، جانم به فدایش، به اختصار روشن نمودند؛ و چون امام از آل محمد: - از بعضی از مواردی که بدان شناخته می‌شود - به حلال و حرام شناخته می‌شود که از حارث بن مغیره نصری نقل است: (قلت لأبي عبد الله عليه السلام: بأيّ شيء يُعرف الإمام القائم عليه السلام؟ قال: بالسكينة والوقار. قلت: وبأيّ شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبجاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله صلى الله عليه وآله. قلت: أكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: لا يكون إلا وصي ابن وصي).^(۱)

(به ابی عبد الله عليه السلام عرض کردم: امام قائم عليه السلام (هر زمان) به چه چیز شناخته می‌شود؟ به آرامش (سکینه) و وقار، عرض کردم: و دیگر با چه؟ فرمود: نیز با حلال و حرام او را می‌شناسی، و نیازمندی مردم به او، در صورتی که او خود به هیچ کس نیاز ندارد، هم‌چنین سلاح پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نزد اوست (آن را با خود دارد). عرض کردم: آیا ممکن است که کسی به جز وصی فرزند وصی امام باشد؟ فرمود: نمی‌شود، مگر جانشینی باشد و فرزند جانشینی).

پس بر اساس نور این راه و روش الهی در شناخت امام قائم عليه السلام [در هر زمان] که آل محمد آن را آشکار کرده‌اند، در بین دستان انصار الله - انصار امام مهدی عليه السلام "رساله‌ای در فقه خمس و ضمیمه آن" را قرار می‌دهم که محتوی پاسخ‌های مهمی از سید احمد الحسن عليه السلام است، از آن رو که ابتلاء و امتحان به مسائل خمس فروان است و محتوای آن همه از وی صلوات الله علیه گرفته شده است و آن این چنین است:

۱. فصل خمس در کتاب شرایع الإسلام / اثر سید احمد الحسن عليه السلام.

۲. پاسخ مسائلی که برداران و خواهران انصار فرستاده بودند و ایشان عليه السلام پاسخ دادند

که بعضی از آنها در کتاب جواب‌های روشنگرانه گنجانده شده است.

و از آن جهت که ملکیت صله امام و انفال نیز به امام صلوات الله علیه بر می‌گردد، آن را در اینجا به خمس ضمیمه کردم.

سرورم احمد الحسن... اگر آن چه مقدر گشته است، بین ما حائل آمده است و بعد از این همه سالیان سال انتظار، همچنان روزها ادامه پیدا کرده‌اند، و متواری و بی‌خائمان شده‌ای، اما ای پدرم رحمت تو به حال ما مقصران، اهل خطاء و اشتباه در حق شما آل محمد صلوات الله علیهم آن چنان زیاد است که دستان ما را گرفته‌ای و به راه مستقیم خدا سوق می‌دهی و حلال و حرام او سبحانه را تبیان می‌سازی.

ای فرزند رسول خدا، آنچه از شرع خدا را که با پاسخ به سؤالاتی که از شما شده است، تبیان کرده‌اید، جمع آوری کرده‌ام را به پیشگاهت تقدیم می‌کنم. به این سؤالات علی‌رغم شدت و سختی که از زمان و مردم می‌کشی، پاسخ دادی و برای این شرع (احکام) خواسته شده بود که غائب باشد، همانند غیبت شما اهل بیت صلوات الله علیهم تا علمای بی‌عمل زندگی مردم را با احکامی که ابداً هیچ ارتباطی با دین و شرع خدا ندارند، پُر کنند. و از خداوند سبحان مسئلت دارم که شما را در زمین برای برپایی دینش و حاکمیتش مکنّت دهد. و الحمد لله رب العالمین.

علاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

فقه خمس و ضمیمه آن

سخن در وجوب خمس و ضمیمه‌های آن در پنج محور خواهد بود:

نخست: در واجب بودن خمس.

دوم: آنچه در آن خمس واجب است.

سوم: در تقسیم آن.

چهارم: در انقال.

پنجم: در صله امام.

محور نخست: در واجب بودن خمس

اشکالی در وجوب خمس وجود ندارد و خمس واجب الهی است؛ مانند واجب بودن نماز و روزه و حج و سایر واحبات الهی.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...﴾.

(و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید...) (۱)

و هیچ کس نمی‌تواند آیه را فقط شامل غنائم جنگ بداند، (۲) در حالی که فصل خطاب و کلام نهائی عدل قرآن و بازگو کننده نزد آن‌ها می‌باشد و آنان: گفته‌اند که غنیمت شامل هر آنچه که انسان کسب می‌کند و هر سودی را که به دست می‌آورد، می‌شود. در صحیحی علی بن مهزیار از امام جواد (علیه السلام) نقل شده است: (فأما الغنائم والفوائد فهي واجبة عليهم في كل عام قال الله تعالى: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ﴾ الآية، فالغنائم و الفوائد - يرحمك الله - فهي الغنيمة يغنمها المرء، والفائدة يفديها).

(اما در غنائم و فوائد بر مردم لازم است که در هر سالی خمس آن را بدهند خداوند متعال فرمود: (و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید)، غنائم و فوائد — خدا تو را بیامرزد —

۱ . الأنفال: ۴۱ .

۲ . همان‌گونه که اهل سنت سعی کردند این کار را انجام دهند ولی همزمان از رسول خدا صلى الله عليه وآله در صحیح نقل می‌کنند که خمس در هر غنائمی واجب است. ابن کثیر می‌گوید: (و برای همین در صحیحین، از عبد الله بن عباس در حدیث گروه عبد القیس آمده است که رسول الله صلى الله عليه وآله به آنان فرمود: "وأمرکم بأربع وأنهاکم عن أربع، أمرکم بالإیمان بالله - ثم قال - هل تدرون ما الإیمان بالله؟ شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وأن تؤدوا الخمس من المغنم". حدیث به طول و تمامش ادای خمس را از جمله ایمان قرار داد و بخاری بر همین اساس در کتاب صحیح خود بابتی را قرار داده و گفت: "باب ادای خمس از ایمان است" تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۳۲۵.

و بر منصف است که آنچه را که رهبران آنان و سلف (صالح!!!) آنان مثل عثمان در خمس دقیقاً انجام داده‌اند، دنبال کند و از وقاحت همین برایش کافی است که او خمس ارمنستان را به مروان بن الحکم داد؛ در حالی که او تربیت شده کسی است که از کتاب خدا حرفی را نمی‌فهمید، همان‌گونه که مخفی نیست [بر همگان].

بهره‌هایی است که انسان به چنگ می‌آورد و سودهایی است که به او می‌رسد.^(۱)
 و در فقه رضوی: (وقال جل وعلا: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ﴾ الآية، فتطول بذلك علينا امتناناً منه ورحمة..... وکل ما أفاده الناس فهو غنیمة، لا فرق بين الكنوز والمعادن والغوص ومال الفیء لذي لم یختلف فيه وهو ما ادعی فيه الرخصة، وهو ربح التجارة، وغلة الضیعة وسائر الفوائد من المكاسب والصناعات، والموارث وغيرها لأن الجميع غنیمة وفائدة ومن رزق).

(و خداوند بزرگ و بلند مرتبه می‌فرماید: (و بدانید آنچه را که به غنیمت به دست آورید...)) و از آن جهت چنین کرد تا با رحمت خود بر ما منت گذارد... هر چه مردم به دست آورند، غنیمت به شمار می‌آید، خواه گنج یا معادن باشد و خواه از غواصی در دریا به دست آید، یا اموالی که در جنگ به دست آمده و برای آنها لشکر کشی نشده باشد، و همان چیزی که ادعاء کرده‌اند که خمسی ندارد، یعنی سود بازرگانی و محصولات کشتزارها و باغ‌ها و دیگر درآمدهای بازرگانی و صنعتی و ارث و چیزهای دیگر، زیرا همه این‌ها غنیمت و سود و روزی است.^(۲)

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾.

(از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعاء کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است).^(۳)

و آیه نیز در خمس است و الصلاة عليهم یعنی: دعاء برای آنان.
 و امام ابو جعفر جواد (علیه السلام) به علی بن مهزیار در نامه‌ای می‌نویسد (این بخشی از آن است):
 (... إن موالي أسأل الله صلاحهم أو بعضهم قصرُوا فيما يجب عليهم، فعلمت ذلك وأحببت أن أظهرهم وأزكيهم بما فعلت في عامي هذا من الخمس، قال تعالى: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

(همانا دوستان (شیعیان) من - که من از خداوند صلاح آنها را خواهانم - یا بعضی از آنها در پرداخت آنچه بر آنها واجب شده، کوتاهی کرده‌اند و من از آن اطلاع پیدا کردم.

۱. الإستبصار - شیخ طوسی: ج ۲ ص ۶۰ ح ۱۲.

۲. فقه الرضا: ص ۲۹۳، و از آن: مستند الشيعة - النراقي: ج ۱۰ ص ۱۰.

۳. التوبة: ۱۰۳.

پس خواستم آنان را پاک و پاکیزه کنم با آن برنامه‌ای که نسبت به خمس در این سال اجرا کردم. خداوند فرموده: (از اموال مردم صدقه بگیر تا آنها را پاک و پاکیزه کنی و بر آنان درود بفرست، زیرا دعاء و درود تو آرامشی است برای آنها و همانا خداوند شنوا و دانا است)).^(۱)

بنا بر این، خمس به امام معصوم (علیه السلام) و حجت بر خلق در هر زمان که اوصیای وی هستند، اختصاص دارد؛ آنان حق دارند که هر جا بخواهند آن را استفاده کنند. عبد الله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: (علی کل امرء غنم أو اکتسب الخمس مما أصاب لفاطمة (علیها السلام) ولن یلی امرها من بعدها من ذریتها الحجج علی الناس، فذاک سهم خاصة، یضعونه حیث شاؤوا وحرّم علیهم الصدقة حتی الخیاط یخیط قمیصاً بخمسة دوانیق فلنا منه دائق إلا من أحللناه من شیعتنا لتطیب لهم به الولادة).

(هر شخصی غنیمت و یا در آمدی را به دست آورد باید خمس آن را به فاطمه (علیها السلام) و ولی امر پس از او از فرزندان او که بعنوان حجت خدا بر مردم هستند، بپردازد و این سهم خاص آنان است و در اختیار هر کس که بخواهند می‌گذارند، صدقه بر ما حرام شده است. حتی خیاط اگر پیراهنی را به پنج درهم دوخت یک درهم از آن ما خواهد بود مگر آن را به شیعیان حلال سازیم تا فرزندان آنان پاک به دنیا بیایند).^(۲)

پس، معصوم (علیه السلام) حق دارد که خمس را در هر جا خواست استفاده کند و نیز برای اوست که پس از آن که خمس، حق مفروض و واجب وی از سوی خدا بر بندگان بوده، آن را برای کسی که بخواهد حلال کند و این مطلب را متون بسیاری روشن ساخته است که در صدد بر شمردن و ذکر آنها نیستم و به نقل آنچه که در متن توفیق شریف صادر از امام مهدی (علیه السلام) به اسحاق بن یعقوب از طریق سفیر دوم، محمد بن عثمان عمری آمده است، اکتفاء می‌کنم؛ و آن از این قرار است: (... وأما المتلبسون بأموالنا فمن استحل شيئاً منها فأكله فانما يأكل النيران. و أما الخمس فقد ابیح لشیعتنا وجعلوا منه فی حل إلى وقت ظهور أمرنا لتطیب ولادهم ولا تخبث).

۱. الاستبصار - الشیخ الطوسی: ج ۲ ص ۶۰ ص ۱۲.

۲. وسائل الشیعة (الإسلامیة): ج ۶ ص ۳۵۱ ح ۸.

(و اما آنان که به نام ما اموالمان را چپاول می‌کنند، پس هر کس که از آن چیزی را حلال کرده و بخورد، پس همانا آتش خورده است و اما خمس به شیعیان ما مباح شده و تا ظهور امر ما بر ایشان حلال گشته تا ولادت ایشان پاکیزه بوده و حبیث نباشد...^(۱)).

و از توقیع شریف فهمیده می‌شود که جنایت چپاول و حلال کردن اموال آل محمد (علیهم‌السلام): توسط فقهای گمراه برای عیان و عموم بسیار واضح است؛ پس مصیبت چگونه خواهد بود اگر انسان بداند که آن‌ها با امام مُغیب (غایب شده توسط دیگران) خود به وسیله ستیز با دعوتش که با فرستادن وصی و یمانی‌اش احمد الحسن (علیه‌السلام) آغاز شد و با اموال امامشان که ظالمانه آن را چپاول کرده‌اند، جنگ می‌کنند؟

این در حالی است که برای صاحب خمس در روز قیامت موقف و ایستگاهی است که در آن حق خود را مطالبه می‌کند و روز سختی بر جاحدان (کسانی که با وجود دانستن حق آن را انکار می‌کنند) و مانعان حق الهی صاحب حق خواهد بود؛ چه برسد به خوردن آن به عداوت و دشمنی!!! محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق نقل می‌کند: (إن أشد ما فيه الناس يوم القيامة أن يقوم صاحب الخمس فيقول: يا رب خمسي، وقد طيننا لشيعتنا لتطيب ولادتهم ولتزركو ولادتهم).

(سخت‌ترین شرایط برای مردم در روز رستاخیز این است که صاحب خمس بگوید: خدایا خمس من چه می‌شود؟ ما خمس را برای شیعیان پاک ساختیم تا موالید آنان پاک و فرزندانشان حلال و پاکیزه گردد).^(۲)

و مؤمن لازم است توجه کند که اعطای خمس به اهل معین آن سودی است که به خود مؤمن بر می‌گردد؛ پس کدام یک از مؤمنان از تطهیر و تزکیه - به نص و گفته قرآن - که با دریافت خمس توسط امام از مؤمن حاصل می‌شود، بی‌نیاز است؟ پس برای او سبحانه، فضل بزرگی است و هم‌چنین برای آنان - صلوات و درود خداوند بر آنان - بر ما منت است.

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است: (من زعم أن الإمام يحتاج إلى ما في أيدي الناس فهو كافر، إنما الناس يحتاجون أن يقبل منهم الإمام، قال الله عز وجل: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ

۱ . کمال الدین و تمام النعمة: ص ۴۸۵.

۲ . الکافی: ج ۱ ص ۵۴۷ ح ۲۰.

وَتُرَكِّبُهُمْ بِهَا ﴿۱۶﴾.

(هر کس بپندارد که امام به آنچه در دست مردم است، محتاج می‌باشد، پس وی کافر است؛ بلکه این مردم هستند که نیاز دارند که امام از آنها قبول کند؛ خداوند عز و جل می‌فرماید: (از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی)).^(۱)

و آنچه از عمل قبیح و زشت و کلای مرجعیت فقهای آخر الزمان که دیگر بر کسی پوشیده نیست ملاحظه شده است، شایسته تأمل است. علی رغم این که دلائل خیانت آنان به دین خدا بسیار است و جرم بزرگ است و سطرهای این رساله مختصر و معقود برای توضیح مسائل مهم خمس، آن را در بر نمی‌گیرد؛ ولی من آن کس که خدا را می‌ترسد، هوشیار می‌سازم و به یکی از دلائل فساد اخلاقی در دفاتر مرجعیت و کلای آنها یا بعضی از اتباع آنان، برای وی اشاره می‌کنم و آن با تمام وضوح خوردن مال خمس بدون وجه حق است.

ضریس کناسی گوید: ابو عبد الله (علیه السلام) فرمود: (مِنْ أَيْنَ دَخَلَ عَلَى النَّاسِ الزَّوْجَاءُ؟ قُلْتُ لَا أَدْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: مِنْ قَبْلِ خُمْسِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، إِلَّا شِيعَتَنَا الْأَطْيَبِينَ، فَإِنَّهُ مُحَلَّلٌ لَهُمْ لِمَيْلَادِهِمْ).

(از چه راهی مردم گرفتار زنا می‌شوند؟ عرض کردم: نمی‌دانم، قربانت گردم. فرمود: از راه خمس ما اهل بیت (که نمی‌پردازند) مگر شیعیان پاکزاده ما که خمس برای آنها حلال گشت تا حلال زاده به دنیا آیند)^(۲).

و سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است، برای نعمت هدایت و ولایت.

۱. الکافی: ج ۱ ص ۵۳۷ ح ۱.

۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۴۶ ح ۱۶.

محور دوم: در اموری که خمس در آن واجب است

و آن هفت تا است:

اول: غنائم

خمس در غنائمی که سپاه مسلمین در دار الحرب^(۱) بین مسلمانان و کفار، بر آن مستولی گشته است، واجب می‌باشد؛ خواه این غنائم قابل حمل باشد یا قابل حمل نباشد؛ مثل زمین و غیره، خواه غنیمت اندک باشد یا فراوان، بشرط این‌که:

- آن‌چه سپاه مسلمین به غنیمت گرفته است، از سوی مسلمانی غصب نشده باشد و در دست کافر افتاده باشد؛ اگر این‌گونه باشد به مالک مسلمانش باز گردانده می‌شود.

- آن‌چه به غنیمت گرفته‌اند ملک معاهد و غیره که محترم المال است، نباشد؛ که نیز به وی باز گردانده می‌شود. و معاهد کسی است که بین وی و مسلمین عهدی است ثبت شده و مکتوب باشد که وی در این حالت محترم الدم (خونش محترم است و ریخته نشود) و محترم المال (مالش از وی گرفته نشود) است تا زمانی که عهد را نقض نکند.

و گذشت یک سال برای خارج کردن خمس غنیمت در نظر گرفته نمی‌شود و خمس در غنیمت، به محض به دست آوردن آن واجب و لازم می‌شود.

دوم: معادن

معادنی که انسان مالک آن است، بر سه نوع خواهد بود:

ا. نرم - یعنی قابل ذوب شدن - مانند طلا و نقره و سرب.

ب. غیر نرم (سخت) مثل یاقوت و زبرجد و سنگ سرمه.

ت. مایع مثل قیر و نفت و گوگرد.

۱. سرزمین‌هایی که با مسلمانان جنگ و عداوت داشته باشند. (مترجم).

و در همه این معادن خمس واجب است و نیز گذشت یک سال برای دادن خمس آن در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به محض به دست آوردن آن و کنار گذاشتن خرجی و آنچه برای استخراج آن و به دست آوردن آن مصرف شده است، خمس آن کنار گذاشته می‌شود. اگر قیمت آنچه استخراج شده است ۵۰ دینار باشد و برای استخراج آن یا به دست آوردن آن ۱۰ دینار صرف کرده باشد؛ پس وی خمس ۴۰ دینار را کنار می‌گذارد که ۸ دینار است و الی آخر.

و در اینجا دو سؤال پیش می‌آید:

نخست: آیا نصاب و مقدار معینی برای معدن - مثل طلا و نقره - وجود دارد تا خمس آن کنار گذاشته شود؟

پاسخ: خیر، نصاب و مقدار معینی وجود ندارد؛ همه آنچه که از هزینه به دست آوردن معدن اضافه‌تر آید، خمسش کنار گذاشته می‌شود؛ حتی اگر ناچیز باشد.

دوم: آیا خمس در زیور آلاتی (مثل طلا و نقره و عقیق و غیره) که زن استفاده می‌کند، واجب است؟

پاسخ: آنچه زن برای زینت استفاده می‌کند خمس ندارد؛ اما اگر از آن استفاده نمی‌کند، خمس در آن واجب است.

سوم: گنج‌ها

خمس در گنج واجب است و گنج هر مالی است که در زیر خاک دارایی و اندوخته شده باشد.

گنجی که انسان آن را می‌یابد، تنها بعد از توجه به آنچه در ادامه ذکر می‌شود، خمس آن داده می‌شود:

نخست: این که گنج به بیست دینار (یعنی بیست مثقال طلای ۱۸ عیار) و بیشتر برسد و اگر قیمتش کمتر از این مقدار باشد، خمس در آن نیست.

دوم: خمس در گنج بعد از کنار گذاشتن خرجی استخراج مثل حفر و وسایل آن و ما

شابه، همان‌گونه که در بخش معادن ذکر شد، واجب می‌شود.

سوم: اثر و نشان اسلام بر گنج پیدا شده، نباشد؛ اگر این‌گونه باشد (یعنی نشانی بر آن نباشد) دادن خمس آن واجب می‌شود؛ چه در سرزمین اسلام پیدا شود، چه در سرزمین جنگ. و به عنوان مثال برای نشان اسلام: اگر مثلاً سکه‌هایی پیدا کند که بر آنها آیه‌ای قرآنی یا رمز و نمادی اسلامی و ما شباهه باشد که تأکید کند آن یک اثر اسلامی است.

و اگر گنجی (که اثر و نشان اسلام بر آن نباشد) در ملکی که مثلاً زید آن را خریده است یافت شود، پس به تعریف و شناساندن آن به فروشنده می‌پردازد؛ اگر آن را شناخت وی به آن سزاوارتر است و اگر آن را نشناخت برای مشتری است - و او در اینجا بر حسب مثال زید است - بر او واجب است که خمس آن را کنار گذارد.

اگر بر گنج اثر و نشان اسلام بود؛ دو حالت دارد:

نخست: آن را در زمینی موات - بی‌جان و مرده مثل زمین صحرا که خانه یا مزرعه یا عمران و آبادی در آن نباشد - که در دار الاسلام باشد، پیدا کند؛ اگر این‌گونه باشد، ملک امام (علیه السلام) خواهد بود و به هر کس آن را استخراج کرده است خرجی استخراج و اجرت بیرون آوردن پرداخت می‌شود و اگر برای بیرون آوردن آن ده دینار خرج کرده باشد و مزد بیرون آوردن گنج پنج دینار، ۱۵ دینار به وی پرداخت می‌شود و گنج به امام (علیه السلام) تحویل داده می‌شود؛ زیرا مالک آن است.

دوم: این که آن را در ملکی که خریده است بیابد، در این موقع آن را به تعریف و شناخت فروشنده می‌رساند، اگر آن را شناخت، او به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت، از آن امام (علیه السلام) است.

مسئله‌ای باقی می‌ماند: اگر گنج در زمینی که متعلق به یک شخص و اجاره شده توسط شخص دیگری پیدا شد و مالک و مستأجر بر سر گنج اختلاف پیدا کردند؛ اگر در ملکیت آن اختلاف پیدا کردند، سخن مؤجر - مالک - همراه با قسم وی مورد قبول است و اگر در مقدار آن اختلاف پیدا کردند، سخن مستأجر مورد قبول است.

و آنچه از احکام در باب این که اگر کسی در زمین خریداری شده گنج پیدا کرد بیان کردیم، در مورد این که اگر جنبنده‌ای نیز خریداری نمود و در داخل آن شیء قیمتی یافت، نیز

آن احکام جاری است؛ آن را به تعریف و شناخت فروشنده می‌رساند، اگر آن را شناخت وی به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت از آن مشتری است و دادن خمس آن بر وی واجب است.

و اگر ماهی خرید و در داخل آن شیء قیمتی یافت، خمس آن را خارج می‌کند و باقی آن از آن خودش است و آن را به فروشنده معرفی نمی‌کند.

بعلاوه، گنج باید خمسش خارج شود، چه یابنده آن آزاد باشد، چه بنده و چه کبیر باشد و چه صغیر؛ نهایتاً اگر کودکی آن را بیابد بر ولی‌اش واجب است که خمس آن را خارج کند و الا بر خود وی هنگامی که بالغ شود دادن خمس واجب است و اما مملوک (بنده)، بر مالک وی واجب است که خمس گنجی را که یافته است، خارج کند.

و در پایان: صبر کردن به مدت یک سال برای خارج کردن خمس گنج لازم نیست، همان‌گونه که در معادن و غنائم ذکر شد؛ بلکه خمس گنج به محض دست یافتن به آن و توجه به آن‌چه که در خارج کردن خمس آن گذشت، کنار گذاشته می‌شود.

چهارم: همه آن‌چه از دریا با غواصی خارج می‌شود

مانند جواهر و مروارید و ما شابه، اما واجب بودن دادن خمس آن مشروط است به این‌که قیمتش به یک دینار (یعنی یک مثقال طلای ۱۸ عیار) و بیشتر برسد؛ اما اگر قیمتش کمتر از این باشد، خمسی در آن نیست.

و اگر مقداری مروارید و جواهر بدون غواصی بگیرد، کما این‌که اگر با ماشینی آن را استخراج کند، خمس در آن نیز واجب است.

و اما عنبر،^(۱) اگر با غواصی استخراج شود، مقدار یک دینار در آن رعایت شده، پس اگر به آن میزان رسید، خمس در آن واجب می‌شود و الا خیر. و اگر از سطح آب گرفته شود یا از ساحل، حکم معادن در آن جاری است؛ یعنی بعد از کنار گذاشتن هزینه استخراج و به دست آوردن آن، خمس در آن واجب است؛ اگر چه کم باشد.

۱. (ع ن ب) (ا). ماده‌ای خوش بو که از شکم نوعی ماهی به همین نام به دست می‌آید. (فرهنگ فارسی معین).

و در اینجا نیز دادن خمس بدون در نظر گرفتن مدت یک سال واجب است؛ همان گونه که در اموری که گذشت و امور آتی ذکر آن شد [و می شود].

پنجم: زمینی که اهل ذمت^(۱) آن را از مسلمان خریده است

اگر اهل ذمت، چه یهودی باشد و چه مسیحی، زمینی از مسلمان بخرد، خمس در آن بر اهل ذمت واجب می شود؛ خواه زمین، از آن چه که خمس در آن واجب شده بود، مثل زمینی که به صورت قهر و غلبه فتح شود، باشد و خواه، زمینی باشد که در آن خمسی نبود، مثل زمینی که اهلش با فرمانبرداری بر روی آن اسلام آوردند.

ششم: حلال مخلوط با حرام

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و حلال از حرام در آن تشخیص و تمیز داده نشود، خمس در آن واجب می شود؛ اما اگر آن را شناخت و توانست آن را تمیز دهد و مستحقش را شناخت، پس بر او واجب است که آن چه را که برده است، به مستحق و صاحب آن بازگرداند و مال حلال و بدون خمس باقی می ماند؛ مگر در آن مقدار که از خرجی سالش اضافه آید، همان گونه که الان در مورد هفتم بیان می شود.

هفتم: آنچه از خرجی سال اضافه آید و آنچه بدان ضمیمه می شود

خمس در سودهای تجارتها و صنعتها و زراعتها که از مؤونه و خرجی سال برای وی و خانواده اش اضافه آید، واجب است. و همچنین خمس در آنچه به این ضمیمه می شود، مثل خانه یا ماشین یا اثاث یا لباس و مانند اینها، همان گونه که تفصیل آن خواهد آمد، واجب است.

۱. (ذمّ) [ع.ع] (ص نسب). غیر مسلمانی که به علت پرداخت جزیه، جان و مالش در پناه اسلام است. (همان).

و شاید این موضوع، بیشترین موارد خمس است که مؤمن به امتحان و ابتلاء می‌شود؛ از این رو بر آن با توضیح و تفصیل بیشتری مکث خواهم کرد، باشد که سود آن به بندگان مؤمن خدا برسد.

و توضیحات به شکل چند محور خواهد که برای سهولت آن را جدا نمودم؛ و الا آنها، همان‌گونه که پوشیده نیست، ممکن است که در هم شدن داشته باشد.

اول: تشریح خمس در آنچه از خرجی سال اضافه آمده است

ممکن است کسی بپرسد: آیا خمس در (آنچه از خرجی سال اضافه آید) در زمان رسول الله ﷺ وجود داشته است؟

پاسخ: به عنوان تشریح الهی، آری وجود داشت؛ اما به عنوان تطبیق و اجرا بر مسلمانان وجود نداشت؛ و این به خاطر عدم تحمل این حکم توسط مردم است، پس رسول الله ﷺ و ائمه (علیهم السلام) برای آنان تخفیف قائل شدند؛ خمس از آن امام (علیه السلام) است و برای اوست که آن را بر مردم قرار دهد یا بردارد. به این روایت توجه کنید که این موضوع را توضیح می‌دهد:

روی محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد وعبد الله بن محمد عن علي بن مهزيار قال: كتب اليه ابو جعفر (عليه السلام) - و قرأت انا كتابه اليه في طريق مكة. قال: (... ان موالي - اسأل الله صلاحهم - او بعضهم قصرُوا فيما يجب عليهم، فعلمت ذلك فاحببت ان اطهرهم وازكيهم بما فعلت في عامي هذا من امر الخمس قال الله تعالى: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...﴾^(۱) ... ولم اوجب ذلك عليهم في كل عام، ولا اوجب عليهم الا الزكاة التي فرضها الله عليهم، وانما اوجبت عليهم الخمس في سنتي هذه في الذهب والفضة التي قد حال عليهما الحول، ولم اوجب ذلك عليهم في متاع ولا آنية ولا دواب ولا خدم ولا ربح ربحه في تجارة ولا ضيعة... تخفيفاً مني عن موالي، ومن مني عليهم لما يغال السلطان من اموالهم ولما ينوبهم في ذاتهم. فأما الغنائم والفوائد فهي واجبة عليهم في كل عام. قال الله تعالى: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ... ﴿١﴾ وَالْغَنَائِمِ وَ الْفَوَائِدِ - يَرْحَمُكَ اللَّهُ - فَهِيَ الْغَنِيمَةُ يَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَالْفَايِدَةُ يَفِيدُهَا، وَالْجَائِزَةُ مِنَ الْإِنْسَانِ لِلْإِنْسَانِ الَّتِي لَهَا خَطَرٌ. وَالْمِيرَاثُ الَّذِي لَا يَحْتَسِبُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَلَا ابْنٍ، وَمِثْلُ عَدُوٍّ يَصْطَلِمُ فَيُؤْخَذُ مَالَهُ، وَمِثْلُ مَالٍ يُؤْخَذُ لَا يَعْرِفُ لَهُ صَاحِبٌ...﴾. (٢)

(علی بن مهزیار نقل کرده که: حضرت ابو جعفر (امام محمد تقی علیه السلام) به او نامه‌ای نوشته‌اند، و می‌گویند: - من آن نامه را در راه مکه خواندم - که فرموده بود: ... همانا دوستان من - که من از خداوند صلاح آنها را خواهانم - یا بعضی از آنها در پرداخت آنچه بر آنها واجب شده کوتاهی کرده‌اند و من از آن اطلاع پیدا کردم. پس خواستم آنان را پاک و پاکیزه کنم با آن برنامه‌ای که نسبت به خمس در این سال اجراء کردم. خداوند فرموده: (از اموال مردم صدقه بگیر تا آنها را پاک و پاکیزه کنی و بر آنان درود بفرست، زیرا دعاء و درود تو آرامشی است برای آنها و همانا خداوند شنوا و دانا است...) ... و من هر ساله آن (خمس) را بر شما واجب نخواهم کرد و بر آنان واجب نمی‌کنم مگر زکاتی را که خداوند آن را بر شما واجب کرده. و من در این سال خمس را بر آنان واجب کردم در طلا و نقره‌ای که سال بر آن گذشته باشد. و من خمس را بر کالاها و ظرف‌ها و چهارپایان و خدمت‌گذاران و سودی که از تجارت برده‌اند و بر آب و زمین واجب نکردم... این‌ها تخفیفی است از جانب من بر دوستانم و منتهی است از من بر آنها. زیرا سلطان به زور از آنها اموالشان را می‌گیرد و به خاطر مصائبی که بر آنها وارد می‌شود. اما غنائم و فوائدها، پس آن در هر سال بر آنان واجب می‌شود. خداوند فرمود: (بدانید آنچه به دست شما افتاد از راه غنیمت، خمس آن مال خداوند و رسول و خویشان پیغمبر و یتیمان و مسکینان و مسافران و امانده است، اگر به خدا ایمان آورده اید...)، پس غنائم و فوائدها - خدا تو را رحمت کند - آن درآمدهایی است که هر کس به دست می‌آورد، و فایده‌ای که به دست او می‌رسد، و جایزه با ارزشی است که از انسانی به انسان دیگر می‌رسد، و میراثی است که بدون اینکه از ناحیه پدر یا فرزند باشد، از راهی که گمان نمی‌کرده به او رسیده، و مانند دشمنی که خود را تسلیم کند و مالش گرفته

۱ . الأنفال: ۴۱ .

۲ . الاستبصار - الشيخ الطوسي: ج ۲ ص ۶۰ ح ۱۲ .

شود، و مانند مالی که گرفته می‌شود بدون آنکه صاحبش شناخته شود...).

دوم: مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمسی

در ابتدا باید بدانیم که گذشت یک سال، همان‌گونه که ذکر آن گذشت، در اموری که در آن‌ها خمس واجب است، به حساب نمی‌آید؛ ولی پراخت خمس واجب در سودهای تجارت‌ها احتیاطاً برای دخل و درآمد، به انتهای سال به تأخیر انداخته می‌شود؛ اگر مکلف سودها را برای خرج خود در مدت یک سال صرف نمود و تمام شدند، پس نه خمسی در آن‌هاست و نه در سرمایه تجارت، و اگر سود از خرجی اضافه‌تر آمد، هم سود خمس آن داده می‌شود و هم سرمایه تجارت، همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد، به همان نسبت خمس آن داده می‌شود؛ بنا بر این بر مؤمن است که ابتدای سال خمسی را تعیین کند تا از طریق آن مقدار افزون بر خرجی خود را بداند و به دادن خمس مقدار افزون بر نیاز پردازد و این مَنّتی از ایشان (علیهم‌السلام) بر ماست.

ایشان (علیهم‌السلام) فرمود: (خدا توفیقت دهد، خمس روز به روز است (روزانه محاسبه می‌شود)، چون مؤمن خود را هر روز محاسبه می‌کند و چون این موضوع بر مردم سخت است و چون آن‌ها اعم از افراد و مؤسسات و شرکت‌ها عادت کرده‌اند که سالیانه به حسابرسی و دقت در حساب‌های خود پردازند، ما نیز گفتیم [خمس] سالیانه باشد؛ پس مؤمن باید خود را طی مدتی که حد اکثرش یک سال است محاسبه کند؛ یعنی سالی یک بار ولی برای او جائز نیست که این مدت را بیش از این قرار دهد.

و بدان که خمس از آن امام است و برای اوست که آن را در زمانی ساقط کند و در زمانی دیگر واجب، و بر او واجب است که مدتی را که مؤمن در آن به محاسبه مالی خود می‌پردازد تعیین کند، پس می‌تواند آن را بجای روزانه ماهانه یا فصلی یا سالانه همان‌گونه که الان این گونه است و... الخ، تعیین کند).

سوم: خمس در مقدار افزون بر نیاز خواهد بود

هر مالی که انسان مالک آن باشد و از نیازش افزون و اضافه باشد، در آن مال خمس واجب خواهد بود و در مقداری که نیاز و حاجت را بر طرف می‌کند، خمس نخواهد بود؛ پس اگر [شخصی] دارای یک خانه بود، خمسی در آن و در اثاثیه استفاده شده آن، مثل فرش و وسایل خانگی و تجهیزات الکترونیکی و مانند این‌ها نیست؛ همچنین در لباسی که استفاده شده است و در وسیله نقلیه‌ای که برای رفت و آمد نیازمند آن است، خمسی تعلق نمی‌گیرد و به همین صورت در منبع درآمد که فقط حاجت و نیاز را بدون اضافه بر طرف می‌کند؛ اما اگر مالک خانه‌ای دیگر یا زمین یا ماشینی دیگر یا اثاثیه و غیره که به آن‌ها نیازی نداشته باشد، باید خمس آن‌ها را پردازد.

بعلاوه، مال افزون بر نیاز فقط یک بار خمس آن داده می‌شود؛ پس اگر تمام آن یا مقداری از آن برای سال دیگر باقی ماند، باری دیگر خمسش پرداخت نمی‌شود.

اما اگر خمس آن را پرداخت کرده باشد، سپس آن را به کسی دیگر داد، آیا دریافت کننده نیز باید خمس آن را در صورتی که طی یک سال آن را استفاده نکند، پرداخت کند؟

پاسخ: آری، دریافت کننده باید خمس موارد کسب شده خویش را پرداخت کند؛ خواه نزد مالک سابق خمس آن‌ها پرداخت شده باشد، خواه پرداخت نشده باشد؛ موردی که خمس آن پرداخت شده باشد، بار دیگر خمس آن پرداخت نمی‌شود ولی اگر مالک تغییر کند، این امر جدیدی خواهد بود و ارتباطی به امر گذشته ندارد.

و پرسش در خصوص بعضی از موارد از لحاظ نیاز و استفاده که خمس در آن‌ها، در شیء استفاده شده و مورد نیاز واجب نیست، مطرح می‌ماند که اکنون آن‌ها را همراه با بیان احکام مطرح می‌کنم:

۱. آیا استفاده شیء، مثل پوشیدن لباس یا زیور آلات یا موارد مشابه، سپس پنهان کردن آن، یک بار، کفایت می‌کند تا استفاده‌ای که خمس با آن واجب نیست، در آن شیء محقق شود؟

پاسخ: استفاده، استفاده واقعی است و نه برای فرار از خمس و اشکالی در استفاده اگر چه

یک بار باشد، نیست؛ و استفاده شده، از خمس مستثنی می‌باشد.

۲. ممکن است انسان محتاج چیزی مانند پتو و فرش باشد ولی از آن برای محافظت بر تمیزی برای استفاده هنگام آمدن مهمان و مانند آن، استفاده نکند، آیا در صورت عدم استفاده آن در سال، خمس در آن واجب است؟

پاسخ: اگر استفاده نشده باشد، خمس در آن واجب است.

۳. آیا فرقی بین اشیاء در مصداق استفاده وجود دارد، [مثلاً] یک بار از خرجی سال مواد غذایی و بار دیگر باقی اشیائی نزد وی می‌ماند که مقداری از آنها را استفاده کرده است، مانند عطرها و روغن‌ها و بعضی از اشیاء دیکور و زینتی، آیا در باقی آنها خمس واجب است؟ و سوم، چیزی که اجزای متعددی داراست و بعضی از آن را استفاده می‌کنند، مثلاً اگر مجموعه‌ای کتب یا ست وسایل باشد، آیا با استفاده از جزئی از آنها، استفاده، بر تمام آنها مصداقیت پیدا می‌کند؟

پاسخ: با استفاده از بعضی از آن، تمام آن استفاده شده خواهد بود.

۴. اگر اشیائی به انسان داده شد - مانند البسه و بعضی وسایل - و این اشیاء استفاده شده

باشد (و جدید نبود)، آیا پرداخت خمس آنها واجب است؟

پاسخ: واجب نیست.

چهارم: پرداخت خمس منبع درآمد (مغازه، شرکت... و شبیه به آن)

خمس در منبع درآمد (مغازه‌ای برای تجارت یا کارخانه یا مزرعه یا وسیله نقلیه...) در صورتی که تولید یا سود وی، از نیاز انسان و خرجی سال وی اضافه آید، از اصل مال به همان نسبت مقدار اضافه، خمس پرداخت می‌شود؛ مثلاً اگر کارگاهی یا مغازه‌ای داشت و دخلی از آن دریافت می‌کرد که فقط برای خرجی سال وی کافی بود، پس خمسی بر کارگاه نیست؛ اما

اگر دخل از خرجی سال وی اضافه می‌آمد، پس از اصل (اصل سرمایه) به اندازه نسبت مقدار اضافه بر خرجی سال، خمس پرداخت می‌کند؛ یعنی اگر خرجی سال (۲) و دخل کارگاه (۴) باشد، پس وی خمس نصف اصل (کارگاه) را پرداخت می‌کند. اما تولید یا سودی که از مغازه یا کارگاه به بار می‌نشیند، خمس آن‌چه از آن بر نیاز و حاجت تا آخر سال، افزون می‌آید، پرداخت می‌شود.

پنجم: متعدد بودن منبع درآمد

اگر منبع درآمد انسان و مکاسب وی متعدد شود (مثلاً وی دارای مغازه و حقوق ماهیانه ... و به همین ترتیب باشد) و خواهان پرداخت خمس باشد، خمس وی چگونه خواهد بود؟

پاسخ: نخست، کسی که خواهان پرداخت خمس است و بیش از یک منبع درآمد دارد، آزاد است که یک منبع درآمد را انتخاب کند تا از خمس مستثنی باشد (یعنی سرمایه را به آن مصدر بدهد)، و در این صورت اگر به اندازه حاجت وی باشد، خمسی به آن تعلق نمی‌گیرد؛ و اگر از اندازه حاجت وی بیشتر باشد، از سرمایه به اندازه مقدار اضافی، همان‌گونه که ذکر آن گذشت، خمس پرداخت می‌شود؛ و اما آن‌چه از سود منبع درآمد که از خرجی افزون آمده است، خمس آن را هنگام حلول سال خمسی جدا می‌کند.

و اما بقیه مصادر روزی وی، خمس در آنها واجب است و منبع درآمد منبع درآمد دیگری را از خمس مستثنی نمی‌کند؛ پس اگر من ضمن مصادر روزی وی، حقوق ماهیانه‌ای باشد که وی را کفایت کند، آن‌چه از آن باقی بماند را در رأس سال خمسی خود، خمسش را جدا می‌کند.

و متعدد بودن مصادر روزی، اغلب واضح است و انسان می‌تواند آنها را افزاز (جدا) کند؛ ولی ممکن است بعضی امور بر وی مشتبه شود؛ مثلاً اگر شخصی زمین زراعتی که تعدادی نخل دارد و موتوری در آن است که زمین زراعتی را آبیاری کند، داشته باشد و هم‌چنین وی به پرورش بعضی دامها مانند گاو در آن پردازد، آیا این‌ها همه یک منبع درآمد واحد به حساب می‌آیند یا متعدد؟

پاسخ: زمین و نخلستان و موتور آبیاری یک منبع درآمد و گاوها منبع درآمد دیگری به حساب می‌آیند.

بعلاوه، مواردی که برای مکلف افزای آن از جهت متعدد بودن یا وحدت منبع درآمد، واضح نباشد، بر مؤمن نیست مگر این که درباره آن‌ها از امام (علیه السلام) پرسد تا از سوی وی مشخص گردند؛ و شکر خدا برای فزونی نعمت‌هایش.

ششم: حقوق کارمندان

ذکر شد که در حقوق کارمندی، که حقوقش وی را کفایت می‌کند، اگر از خرجی سال وی هنگام حلول سال خمسی‌اش مقداری افزون آید، خمس واجب است؛ و اگر نه خمسی در آن نیست.

و اگر پاداشی سالانه، از شرکتی که در آن کار می‌کند دریافت کند، بر وی است که خمس آن یا آن مقدار که از آن که در هنگام حلول سال خمسی، نه هنگام دریافت، باقی مانده است را پردازد؛ و به همین صورت، هدیه غیر نقدی، خمسش را در رأس سال، اگر آن را استفاده نکرده است پرداخت می‌کند.

و اینجا دو سؤال است:

نخست: اگر کارمند، حقوق خود را به مدت خیلی کمی قبل از رأس سال خمسی، مثلاً یک روز دریافت کند و منبع درآمدش باشد، آیا حقوقی که در دست دارد، یا مقدار باقی مانده آن، افزون بر خرجی سال وی بحساب می‌آید و خمس در آن واجب است؟

پاسخ: خمس در آن واجب است.

دوم: آیا خمس در حقوق کارمندی که زمانش فرا رسیده و شخص دیگری آن را بجای وی دریافت کرده ولی آن را به دست وی نرسانده مگر بعد از رأس سال خمسی‌اش، واجب است؟ مثلاً: اگر رأس سال خمسی‌اش روز دهم رمضان باشد و حقوقش روز هشتم ماه رمضان ولی به دست وی نرسیده مگر پس از آن؟

پاسخ: خمس در آن واجب است.

هفتم: مال اندوخته (پس انداز) برای ازدواج یا حج یا خرید مسکن

بعضی از مردم گاهی مبلغی را به منظور خرید مسکن جمع آوری می‌کنند، پس شروع به پس انداز آن چه از نیاز سالیانه خود اضافه می‌آید، برای هدف مذکور می‌کنند. و این‌گونه اشخاص، باید مبلغ جمع آوری شده را در صورتی که قبلاً خمس آن را پرداخت نکرده‌اند پرداخت کنند؛ و این در هنگامی است که وعده رأس سال خمسی‌اش فرا رسیده باشد و مسکنی با آن نخریده باشد.

و در زمان ما رویدادی در بعضی کشورها شایع است که طی آن توسط شخصی که خواهان ثبت نام خود برای رفتن به حج است، مبلغی در بانک‌ها به ودیعه گذاشته می‌شود و این به عنوان شرطی از سوی کمیته (هیئت) حج در آن کشور در مقابل ثبت نام شخص قرار داده می‌شود؛ در صورتی که عزیمت بعد از مدتی که به دو یا سه سال و شاید بیشتر می‌رسد، باشد؛ و قطعاً بر مبلغ به ودیعه گذاشته شده سال خواهد گذشت و هنوز استفاده نشده است، آیا خمس در آن واجب است؟

پاسخ: خمس در آن واجب نیست.

هشتم: خمس آنچه دمر دست نباشد و تنگای (مضيقه) مالی

ممکن است انسان مالی داشته باشد ولی آن مال در دست وی نباشد، کما این که اگر آن را به شخص دیگری قرض دهد یا در بانک آن را به ودیعه نهاده است و حق برداشت آن را نداشته باشد، آیا خمس در چنین مالی واجب است و چگونه؟

پاسخ: خمس در آن واجب نیست تا زمانی که آن توسط خودش یا وکیلش تحویل گرفته

شود.

و از جهت این که ذکر قرض شد، اگر انسان مالی را برای بر طرف کردن حاجت خود قبل از رأس سال خمسی خود، قرض کرد و هنوز - مال قرض شده یا مقدار باقی مانده آن - در دست وی باشد، سپس، رأس سال خمسی وی حلول کند، آیا خمس شامل آن می‌شود؟

پاسخ: اگر در ذمت (گردن) انسان دینی باشد، خمسی در مالی که مالک آن است، نیست مگر آن مقدار که از مقدار دینی که در ذمت دارد، افزون باشد و به عنوان مثال: اگر قرضی به قیمت ۱۰۰ بر وی باشد و در دست خود ۱۵۰ باشد، فقط خمس ۵۰ محاسبه می‌شود.

و در کل، آیا قرض گرفتن انسان بر تعلق خمس به مالش تأثیر می‌گذارد؟

پاسخ: آری، تأثیر می‌گذارد، همان‌گونه که در مسأله پیشین روشن شد.

و اگر در تنگنای مالی بود و رأس سال خمسی وی فرا رسید ولی نزد وی مواد غذایی و غیره از آن‌چه در منزلش است، اضافه آمد، آیا تنگنا خمس را از آن‌چه اضافه بر خرجی سال وی آمده است، از مواردی ذکر شده که غیر مال است، بر می‌دارد؟

پاسخ: اگر مقصود از تنگنای مالی عدم وجود اموال اضافی و فقط وجود مواد غذایی اضافی است، خمس مواد غذایی که نزد خود دارد را جدا می‌کند و خمس، عبادتی است مثل روزه و نماز و وسیله‌ای است برای طهارت و پاکیزگی روح چ، خداوند متعال فرمود: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱) (از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعاء کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست)، و مهم نیست اندک باشد یا فراوان، چه بسا درهمی از کسی که پنج درهم دارد، اجر و ثواب بیشتری از هزار درهم از کسی که پنج هزار درهم دارد، داشته باشد و در کل، خمس و زکات عواملی برای افزایش روزی هستند؛ مؤمن چه می‌داند، شاید پرداخت خمس یا زکات عاملی شود که خداوند روزی وی را توسعه دهد.

نهم: اموال کودکان

واضح است که کودک در خمس و دیگر تکالیف شرعی، غیر مکلف است؛ ولی حق مالکیت دارد و به مال وی خمس تعلق می‌گیرد؛ پس خمس بر کودک واجب نیست ولی به مالش تعلق می‌گیرد؛ پس بر ولی (سرپرست) واجب است که خمس را از مال کودک غیر بالغ

سوا کند و اگر نه وی (کودک) اگر بالغ شود، خود خمس مال خود را پرداخت می کند. و از اینجا، حکم مال کودکی که حساب پس انداز در بانک دارد، آشکار می شود.

حور سوم: در تقسیم خمس

خمس به شش قسمت تقسیم می شود؛^(۱) سه قسمت از آنها برای پیامبر ﷺ است و آنها عبارتند از: سهم خدا و سهم رسولش و سهم ذی القربی و او، امام علی (علیه السلام) است، سلیم بن قیس گفت: (سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: نحن والله الذين عنى الله بذي القربى، الذين قرهم الله بنفسه ونبيه ﷺ، فقال: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾،^(۲) ولم يجعل لنا سهماً في الصدقة، اكرم الله تعالى نبيه ﷺ و اكرمنا أن يطعمنا أو ساخ ما في أيدي الناس).

(به خدا سوگند! مقصود خداوند از ذی القربی ما هستیم، خدای متعال آنان را به نام مبارک خویش و پیامبر بزرگوارش مقرون ساخت و فرمود: (آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است)، و برای ما در صدقه، سهمی قرار نداد و

۱. بنده صالح، موسی بن جعفر (علیه السلام)، فرمود: (...يُقَسَّمُ بَيْنَهُمُ الْخُمْسُ عَلَى سِتَّةِ أَصْنَافٍ سَهْمٌ لِلَّهِ وَسَهْمٌ لِلرَّسُولِ وَاللَّهُ وَسَهْمٌ لِذِي الْقُرْبَى وَسَهْمٌ لِلْيَتَامَى وَسَهْمٌ لِلْمَسَاكِينِ وَسَهْمٌ لِأَبْنَاءِ السَّبِيلِ فَسَهْمُ اللَّهِ وَسَهْمُ رَسُولِ اللَّهِ لِأُولَى الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرِثَةٌ فَلَهُ ثَلَاثَةُ أَصْنَافٍ سَهْمَانِ وَرِثَةٌ وَسَهْمٌ مَقْسُومٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ وَلَهُ نِصْفُ الْخُمْسِ كَمَا وَنِصْفُ الْخُمْسِ الْبَاقِي بَيْنَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَسَهْمٌ لِيَتَامَاهُمْ وَسَهْمٌ لِمَسَاكِينِهِمْ وَسَهْمٌ لِأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ...)، (... خمس بر شش قسمت تقسیم می شود؛ يك سهم برای خداوند، و سهم دیگر برای رسول ﷺ، سهم سوم برای ذی القربی، سهم چهارم برای یتیمان، سهم پنجم برای مساکین، و سهم ششم مال در راه ماندگان است. سهم خدا و رسول برای اولی الامر بعد از رسول است به عنوان وراثت؛ پس، برای اولی الامر سه سهم است که دو سهم وراثتی است و یک سهم، سهمی است که خدا برای او معین و مقرر نموده است؛ لذا، برای اولی الامر نصف کامل خمس است؛ و نصف دیگر، برای اهل بیت پیامبر ﷺ است که يك سهم برای یتیمان از آنان، یک سهم برای مستمندان از آنان، و سهم سوم نیز برای در راه ماندگان از آنان است...). الكافي: ج ۱ ص ۵۳۹ ح ۴.

بدین وسیله بر پیامبرش و ما ارج نهاد تا از اموال غیر پیراسته مردم به ما نخوراند.^(۱)

و اگر امام بمیرد، این سهم‌های سه گانه از آن امامی خواهد بود که جانشین وی می‌شود. و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام دریافت کرده است، با مرگش به وارثش منتقل می‌شود؛ از این رو، آن زمین فدکی که در دست حضرت فاطمه علیها السلام بود، متعلق به خودش بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها آن را در زمان حیاتش ستانده بود، بلکه آن را به وی بخشیده بود و ممانعت آن‌ها از حضرت در گذشته، بی‌هیچ تفاوتی، همانند ممانعت فقهای خائن و غصب حق آل محمد علیهم السلام، در زمان حال است.

این، درباره سه قسمت اول بود؛ اما سه قسمت باقی مانده متعلق است به ایتام و مساکین و ابناء السبیل.

و در سه گروه موارد زیر در نظر گرفته می‌شوند:

۱. انتساب پدری آن‌ها به عبد المطلب؛ پس اگر انتساب آن‌ها مختص انتساب مادری بود، چیزی از خمس به آن‌ها داده نمی‌شود.

۲. نیاز و حاجت؛ و مسکین که وضعیتش روشن است و او کسی است که اصلاً خرجی ندارد و در یتیم فقر در نظر گرفته می‌شود و آن این است که وی خرجی دارد ولی وی را کفایت نمی‌کند؛ اما در مورد در راه مانده فقر در نظر گرفته نمی‌شود، اگر چه در سرزمین خود ثروتمند باشد، بلکه نیاز و حاجت در سرزمین تحویل خمس به وی، در نظر گرفته می‌شود.

۳. ایمان به خدا و رسول برگزیده وی صلی الله علیه و آله و خاندان پاک ایشان، ائمه و مهدیین علیهم السلام، در مورد مستحق در نظر گرفته می‌شود؛ ولی عادل بودن، در نظر گرفته نمی‌شود.

و اگر واضح شد که سهمی برای سادات از بنی‌هاشم وجود دارد، پس سؤال این است: چرا امیر مؤمنان علیه السلام آن را به برادرش عقیل در آن واقعه معروف نداد، بلکه طبق فهم کوتاه، به وی به اندازه‌ای که به مردم داده، داد؟

پاسخ: قطعاً اهل بیت امام یا سادات، خانواده امام هستند و امام علی علیه السلام در حق عقیل کوتاهی نکرد - منزله است - و حقتش را به او داده بود؛ ولی عقیل به اندازه‌ای مال می‌خواست

که با آن ثروتمند شود و به مقداری که حاجت و نیازش را بر طرف می‌کرد، راضی نبود؛ پس امیر مؤمنان (علیه السلام) از برآوردن این [درخواست] امتناع ورزید.

در اینجا مسائلی است:

نخست: مستحق خمس در سه گروه (مسکین و یتیم و در راه مانده)، مؤمن از فرزندان عبد المطلب است و آنها عبارتند از: فرزندان ابی طالب و عباس و حارث و ابی لهب، مذکر و مؤنث و از بین آنان، فرزندان ابی طالب مقدم‌تر هستند و از میان فرزندان ابی طالب، فرزندان علی و فاطمه (علیهم السلام) مقدم‌ترند و از بین فرزندان علی و فاطمه، فرزندان محمد بن الحسن المهدی (علیه السلام) مقدم‌ترند.

دوم: شمول و فراگیری هر گروه از سه گروه، هنگام اعطای خمس واجب نیست؛ بلکه اگر به اعطای یک نفر از هر گروه، اکتفاء کند، جایز می‌باشد و نیز جایز است که یک گروه را به خمس مختص کند، مثلاً ایتام یا بینوایان را فقط انتخاب کند.

سوم: امام از مال خمس به اندازه کافی، با میانه روی، بر سه گروه تقسیم می‌کند و اگر مقداری از آن اضافه آمد، ملک امام خواهد بود و اگر کم آمد، از سهم خود جبران خواهد کرد.

چهارم: برای مکلف جایز نیست که خمس را با وجود مستحق در سرزمین خود به سرزمینی دیگر منتقل کند و اگر منتقل کند و مال از بین رود، مکلف ضامن خواهد بود و باید دوباره آن را پرداخت کند و در صورت نبود مستحق در سرزمینش، منتقل کردن آن جایز است. همه این‌ها بعد از اذن امام (علیه السلام) به کنار گذاشتن و پرداخت آن خواهد بود و اگر نه تحویل [مال] به وی خواهد بود، همان‌گونه که در ادامه روشن خواهد شد.

خاتمه: در خارج کردن خمس و تحویل آن

بعد از این که مقداری درباره خمس دانستیم، حال، می‌خواهیم حق را به صاحبش با سلامت و به گونه‌ای که دیگر حقی بر عهده ما نباشد برسانیم، و قبل از هر چیز، می‌خواهیم بدانیم که

اگر خمس به چیزی تعلق گرفت، آیا جایز است که قیمتش را بجای آن کنار گذاشت، بعلاوه کدام قیمت برای آن شیء در نظر گرفته می‌شود، آیا قیمت آن هنگام خرید یا هنگام کنار گذاشتن خمس آن؟

پاسخ: کنار گذاشتن قیمت آن جایز است و هنگام کنار گذاشتن خمس محاسبه می‌شود. بعلاوه، آیا امکان دارد، مکلف خمس را به دو نصف تقسیم کند، سپس، خود، بدون اجازه امام، به یتیم و مسکین و در راه مانده بدهد یا به تحویل کل خمس خود به امام باید مبادرت کند؟

پاسخ: خمس به امام (علیه السلام) تحویل داده می‌شود و وی آن را هر جا بخواهد، مصرف می‌کند. آری، ممکن است امام به مکلف اجازه دهد که خود مستقیماً خمس را به مستحقش بدهد.^(۱) و از آنجا که خمس برای معصوم (علیه السلام) است، پس کسی نمی‌تواند، بدون این که از سوی امام اجازه دریافت آن بجای وی را داشته باشد، این حق (=خمس) را از دیگران تحویل بگیرد و اگر کسی که اجازه دارد، آن را تحویل بگیرد، بر وی واجب خواهد بود که آن را به امام برساند یا طبق خواسته امام (علیه السلام) در آن تصرف کند و ضمانتی بر گردن وی در صورت از بین رفتن آن، نیست، مگر این که افراط کرده باشد.

و اگر کسی بدون اذن، آن را دریافت کند، گناه کرده است و ضمانت آن در از بین رفتن بر گردن وی است و بر وی واجب است که آن را به امام تحویل دهد و اما کسی که خمس را داده است، تکلیف از عهده وی ساقط نمی‌شود، مگر این که آن را به امام (علیه السلام) یا کسی که امام (علیه السلام) او را مکلف کرده است، بدهد یا امام تکلیف را از وی ساقط کند.

و اما اگر شخصی در رساندن خمس واسطه شود، نه به هدف دریافت از دیگران، بلکه فقط تحویل دهنده به امام یا کسی که امام به وی اجازه دریافت بجای وی را داده است، باشد، آیا این کار جایز است و اگر در دست وی از بین رود چه؟

پاسخ: جایز است و اگر بدون تقصیر و کوتاهی در دست وی تلف شود، ضمانت آن بر عهده وی نیست.

۱. و مانند این، اتفاق افتاد و امام (علیه السلام) به بعضی از مؤمنان اجازه خرج خمس بر محتاجان در کشور فرد پرسنده را داد، به ضمیمه (۲) مراجعه شود.

و همین گفتار در مورد صله صدق می‌کند و آن نیز مالی است برای امام و وضعیتش از این لحاظ مانند خمس است.

مخبر چهارم: در انفال

و انفال به خمس ضمیمه می‌شود، ابی صباح می‌گوید امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: (نحن قوم فرض الله طاعتنا، لنا الأنفال ولنا صفو المال).^(۱)

(ما کسانی هستیم که خداوند، اطاعت و فرمان‌برداری ما را واجب ساخته و انفال و برگزیده اموال، از آن ماست).

و انفال عبارتند از: آن چه امام (علیه السلام) از اموال به طور ویژه مستحق آن‌هاست، همان گونه که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) این گونه بود و آن‌ها پنج مورد است:

۱. زمینی که بدون جنگ تملک شود؛ چه اهل آن از آن مهاجرت کرده باشند یا با فرمان‌برداری تسلیم مسلمانان شده باشند.

۲. زمین‌های موات؛^(۲) چه در سابق مالک داشته باشد، سپس، اهل آن از بین رفته باشند و چه، کسی اصلاً مالک آن نباشد، مثل صحراها.

۳. سواحل دریاها و به آن سواحل رودهای بزرگ ضمیمه می‌شود.

۴. نوک کوه‌ها و قلعه‌ها و آن چه در آنجا قرار دارد، مثل درختان و معادن و شبیه به این‌ها.

۵. درون دره‌ها و تالاب‌ها.

و اگر دار الحربی^(۳) که اهل آن، جنگ خود علیه امام و مسلمانان را آشکار کرده بودند، فتح شود، پس اموالی که فرمانروای آنان برای خود گرفته و برگزیده بود، اگر از مسلمان یا معاهدی غصب نشده باشد، از آن امام خواهد بود و اگر نه به مالک مسلمان یا معاهد آن

۱. الکافی: ج ۱ ص ۵۴۶ ح ۱۷.

۲. زمین موات: زمینی است که از عمران و آبادی خالی است و مالک فعلی ندارد، مثل صحراها. (گرد آورنده).

۳. سرزمینی که با مسلمین جنگ و عداوت داشته باشد. (مترجم).

برگردانده خواهد شد.

و همچنین برای امام (علیه السلام) جایز است از غنیمتی که مسلمانان به دست آورده‌اند، هر آنچه از اسب یا لباس یا کنیز یا غیر از این‌ها، برگزیند و بگیرد و آنچه که جنگجویان بدون اذن وی به غنیمت بگیرند، از آن وی خواهد بود.

و دخل و تصرف بدون اذن وی در انفال جایز نیست و اگر کسی در آن دخل و تصرف کند، غاصب خواهد بود و سودی به وی رسد از آن امام (علیه السلام) خواهد بود؛ مثلاً اگر در زمین مواتی سرمایه گذاری کند و در آن کشت کند، هر ثمره و سودی که از آن حاصل شود، از آن امام (علیه السلام) است نه کشاورز.

محرّم پنجم: در صله امام (علیه السلام)

صله امام، همان‌گونه که خدای سبحان وعده داده است، راه الهی بزرگ و آسانی است برای آمرزش تمام گناهان. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^(۱) (کیست آن کس که به خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید)، و نیز می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^(۲) (کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد) و از اهل بیت (علیهم السلام) در بیان قرضی که خداوند سبحان آن را دوچندان می‌کند، نقل شده است که آن (قرض) "صله امام" است؛ اسحاق بن عمار از ابی ابراهیم (امام موسی بن جعفر) (علیه السلام) نقل می‌کند، می‌گوید: (سألته عن قول الله عز وجل: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾، قال: نزلت في صلة الإمام).^(۳)

(از ایشان درباره فرموده خدای عز و جل: (کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا

۱. البقرة: ۲۴۵.

۲. الحديد: ۱۱.

۳. الكافي: ج ۱ ص ۵۳۷ ح ۴.

[نتیجه‌اش را] برای وی دو چندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد، سؤال کردم. فرمود: درباره صله امام نازل شد).

و اگر چه صله امام (علیه السلام) به وسیله عمل و با مال برای اثبات حق وی است و هیچ شکی در این نیست که عمل، از دادن مال برتر است؛ زیرا در آن خستگی شدیدی برای جسم است و چه بسا به گذشتن از جان هم برسد، اما در اینجا، به صله با مال، از جهت تناسب آن با خمس می‌نگریم؛ از جهت اشتراک آن دو (خمس و صله) در این که هر دو مالی هستند که مختص امام (علیه السلام) است.

خبیری و یونس بن ظبیان می‌گویند: (سمعنا أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: ما من شيء أحب إلى الله من إخراج الدرهم إلى الإمام، وإن الله ليجعل له الدرهم في الجنة مثل جبل أحد، ثم قال: إن الله يقول في كتابه: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾، قال: هو والله في صلة الإمام خاصة).^(۱)

(کاری نزد خدا محبوب‌تر از رسانیدن درهم به امام نیست. همانا خدا، درهم را در بهشت مانند کوه احد برای وی، قرار می‌دهد؛ خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: (کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا وام او را بسیار چند برابر سازد)، امام فرمود: به خدای، این وام اختصاصاً صله امام است).

بنا بر این، خدای سبحان و متعال از صله امام به عنوان قرضی به خودش یاد می‌کند و خود او آن را باز می‌گرداند و باز گرداندن آن از سوی وی، با شکر و سپاس از آن بنده توسط خدا خواهد بود؛ زیرا وی بنده‌ای است که نعمت خدا بر خود با ولی‌اش و حجتش را شکر نمود و همراه وی نهایت کوشش را برای آخرت نمود.^(۲)

سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمود: (پس چقدر رحمت عظیم خواهد بود، اگر که حجت در بین مردم باشد، از جهت گشوده شدن این درب عظیم و آن این است که انسان با صله امام (علیه السلام) به خدا وام داده خواهد بود؛ پس روز قیامت در پیشگاه خداوند می‌ایستد و خداوند این قرضش را اداء می‌کند و این بنده اگر به تعداد دانه‌های ماسه خشکی‌ها، گناه همراه داشته باشد، برای

۱. الکافی: ج ۱ ص ۵۳۷ ح ۲.

۲. به ضمیمه (۳) مراجعه کنید.

وی آمرزیده خواهند شد؛ زیرا او قرض و وامی نزد خدا، قاضی روز جزاء دارد و او در مقابل اندک، فروان می‌بخشد و بخشش وی بدون حساب است و خدا تمام قرض‌ها و گناهان این بنده در حق بندگان را پرداخت و جبران می‌کند و او را بدون حساب وارد بهشت می‌کند.^(۱)

این قسمتی از فضل "صله امام" بود و آن امری است که در همه آن به آن ترغیب و سفارش شده است، اندک باشد یا بسیار و فضل آن نزد خدا همان‌گونه که دیدیم عظیم است؛ البته قسمت واجب آن، اعطای صله امام هنگام حضور در نماز جمعه است.

بعلاوه، بی شک صله، مالی از آن امام است - همانند خمس - آن را هر کجا بخواهد، قرار می‌دهد و از این جهت، آنچه در خاتمه خمس درباره تحویل و کسی که حق تحویل گرفتن را دارد، گفتیم، بدون اختلافی شامل اینجا نیز می‌شود.

* * *

این آخرین کلامی بود که در این رساله مختصر و کوتاه، نگاشته شد؛ و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین الأئمة و المهتدین و سلم تسلیماً.

شعبان المعظم / ۱۴۳۱ هـ ق

ضمیمه (۱)

متن کتاب خمس از کتاب شرایع الاسلام

کتاب خمس

و دارای دو فصل است:

فصل اول: آنچه خمس در آن واجب است

و آن هفت مورد است:

نخست: غنائم دار الحرب که سپاه آن را حمل نموده و غنائمی که حمل نموده مثل زمین و غیر آن که غصب شده از مسلمان یا معاهد نباشد، اندک باشد یا فراوان.

دوم: معادن، خواه قابل ذوب باشد مثل طلا و نقره و سرب یا قابل ذوب نباشد مانند یاقوت و زبرجد و سرمه یا مایع مانند قیر و نفت و گوگرد و خمس در آن بعد از خرجی واجب است.

سوم: گنج‌ها؛ و به هر مال ذخیره شده زیر زمین اطلاق می‌شود؛ اگر به بیست دینار رسید و در دار الحرب یا دار الاسلام بود و نشانی بر آن نبود، خمس بر آن واجب می‌شود و اگر آن را در ملک فروخته شده یافت به فروشنده می‌شناساند، پس اگر آن را شناخت، وی به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت، برای مشتری است و خمس دارد. همچنین اگر جنبنده‌ای خرید و در داخل آن شیء قیمتی یافت، به همین صورت است و اگر ماهی خرید و در داخل آن شیئی یافت، خمس آن را جدا کرده و باقی برای وی خواهد بود و [به فروشنده] نمی‌شناساند.

تفکیک: اگر گنجی در زمین موات از دار الاسلام پیدا شود و بر آن اثر و نشان اسلام باشد، از آن امام است و برای کسی که آن را استخراج کرده است، خرجی استخراج و اجرت آن خواهد بود و اگر آن را در ملک فروخته شده پیدا کرد، آن را به فروشنده می‌شناساند، اگر آن را شناخت، او به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت، برای امام است.

چهارم: هر آنچه از دریا با غواصی خارج شود، مانند جواهر و مروارید؛ به شرط این که قیمت آن به یک دینار و بیشتر برسد و اگر چیزی بدون غواصی از آن (دریا) گرفته شود، خمس در آن واجب است، همین طور اگر با ماشین خارج شود.

تفکیک: عنبر^(۱) اگر با غواصی استخراج شود، مقدار یک دینار در آن رعایت شود و اگر از سطح آب یا ساحل گرفته شود، حکم معادن بر آن جاری خواهد بود.

پنجم: آنچه از خرجی سالانه او و خانواده‌اش از تجارت‌ها و صنایع و زراعت‌ها افزون آید.

ششم: اگر اهل ذمت^(۲) زمینی را از مسلمانی بخرد، خمس در آن بر اهل ذمت واجب می‌شود. خواه از آنچه که خمس در آن واجب شده بود، مثل زمین فتح شده به اجبار و قهر باشد، خواه در آن نباشد، مثل زمینی که اهل آن بر آن اسلام آوردند.

هفتم: حلال اگر با حرام مخلوط شود و تمیز داده نشود، خمس در آن واجب می‌شود.

چند فرع:

نخست: خمس در گنج واجب است، چه یابنده آن آزاد باشد و چه بنده، کوچک باشد یا بزرگ و معادن و غواصی نیز به همین صورت است.

دوم: گذشت یک سال در چیزی از خمس در نظر گرفته نمی‌شود؛ لیکن آنچه در سودهای تجارت‌ها واجب است، به منظور احتیاط برای درآمد به تأخیر انداخته می‌شود.

سوم: اگر مالک و مستأجر درباره گنج به اختلاف افتادند، اگر بر سر مالکیت اختلاف پیدا کردند، حرف مؤجر است همراه با ادای یمین (قَسَم) توسط وی و اگر بر سر مقدار به اختلاف افتادند، حرف مستأجر است.

چهارم: خمس بعد از خرجی که گنج و معدن به آن نیاز دارد، مثل حفر و ذوب و قالب دادن و غیره، واجب است.

۱. (عَنْ ب) (ا). ماده ای خوش بو که از شکم نوعی ماهی به همین نام به دست می‌آید. (فرهنگ فارسی معین).

۲. (ذَمَّ) [ع . ص] (نسب .) غیر مسلمانی که به علت پرداخت جزیه، جان و مالش در پناه اسلام است. (همان).

فصل دوم: دمر تقسیم آن

به شش قسمت تقسیم می شود:

سه تا برای پیامبر ﷺ و آنها عبارتند از: سهم خدا، سهم رسولش و سهم ذی القربی که سهم امام علی (علیه السلام) و بعد از ایشان برای امام قائم به مقام ایشان است و آنچه که پیامبر ﷺ یا امام گرفته بود به وارث ایشان منتقل می شود.

و سه تا: برای ایتم و مساکین و در راه ماندگان و در سه گروه نسبت پدری آنها با عبد المطلب در نظر گرفته می شود؛ اگر از طریق مادر خاصاً منتسب شوند، چیزی از خمس به آنها اعطاء نمی شود و استیعاب و شمول هر گروه واجب نیست، بلکه اگر به یک فرد از هر گروه اکتفاء کند، جایز است.

و مسائلی دمر این بامره است:

نخست: مستحق خمس و او مؤمن از فرزندان عبد المطلب است و آنها عبارتند از: فرزندان ابی طالب و عباس و حارث و ابی لهب، مرد و زن و فرزندان ابی طالب مقدم تر قرار می گیرند و از آنها فرزندان علی و فاطمه (علیهم السلام)، مقدم ترند و از بین آنها فرزندان محمد بن الحسن (علیهما السلام)، امام مهدی (علیه السلام).

دوم: و جایز است با خمس یک گروه را مختص قرار دهد.

سوم: امام به اندازه کافی، با میانه روی، بر سه گروه تقسیم می کند و اگر مقداری از آن اضافه آمد، ملک امام خواهد بود و اگر کم آمد، از سهم خود جبران خواهد کرد.

چهارم: فقر در راه مانده در نظر گرفته نمی شود؛ بلکه نیاز در کشور پرداخت در نظر گرفته می شود و اگر چه در کشور خود غنی باشد و آن (فقر) در یتیم رعایت می شود.

پنجم: انتقال خمس به کشوری غیر از کشور خود با وجود مستحق در کشور خود، جائز نیست و با این حال اگر منتقل کرد و تلف شد، وی ضامن خواهد بود و با عدم وجود مستحق جائز است.

ششم: ایمان در مستحق در نظر گرفته می‌شود و عادل بودن در نظر گرفته نمی‌شود.

و به آن انفال ضمیمه می‌شود و آن عبارت است از: اموالی که امام از جهت اختصاص شایسته آنهاست، همان‌گونه که برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آنها پنج مورد است: زمینی که بدون جنگ به مالکیت در آید؛ خواه اهلش مهاجرت کرده و خواه آن را مطیعانه تسلیم کرده باشند و زمین‌های موات؛ خواه به ملکیت در آمده باشند، سپس اهلش از بین رفته باشند و خواه ملکیت بر آن جاری نشده باشد؛ مثل بیابان‌ها و سواحل دریاها و قلعه‌های کوه‌ها و آنچه در آن است و همچنین درون دره‌ها و تالاب‌ها.

و اگر دار الحرب فتح شود؛ آنچه متعلق به فرمانروای آنان است، مثل قطایع^(۱) و مواردی که فرمانروا تنها برای خود برگزیده است، اگر از مسلمان یا معاهد غصب نشده باشد، برای امام علیه السلام است و همچنین امام علیه السلام اجازه دارد که از غنائم آنچه را می‌خواهد، مثل اسب یا لباس یا کنیز و غیره، برگزیند و آنچه جنگ‌جویان بدون اذن ایشان به غنیمت بگیرند، متعلق به امام علیه السلام است.

و بدون اذن ایشان دخل و تصرف در انفال جایز نیست و اگر کسی دخل و تصرف کند، غاصب خواهد بود و اگر سودی به دست آورد از آن امام خواهد بود.

* * *

۱. زمین‌های بدون مالک و غیر معموری است که خلیفه یا دولت به کسی می‌بخشد تا در آن آبادی و آبادانی به وجود آورد. و هر قطعه به کسی منسوب است که به وی داده شده است. (لغت‌نامه دهخدا).

ضمیمه (۲)

سؤالات متفرقه دمر باره خمس

● جوابهای روشنگرانه / جزء اول - س ۵۰

بسم الله الرحمن الرحيم

... از شما خواهشمندم که درباره موضوع خمس و زکات جزئیاتی ارائه دهید.

رَشا / از بصره

۸ جمادی الاول / ۱۴۲۶ هـ.ق

ج / بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

خواهر مؤمن، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از خدا می‌خواهم که هر مرد و زن مؤمنی را برای خیر آخرت و دنیا موفق گرداند؛ اما در خمس و زکات جزئیات خیلی فراوانی است و لیکن بیان مقداری از آن خالی از لطف نیست. خمس مختصّ امام معصوم (علیه السلام) و حجت بر خلق در هر زمان است و آنها اوصیای ایشان هستند و حق دارند هر کجا بخواهند آن را قرار دهند.

و خمس در مواردی واجب است و اموال و مواد استفاده نشده (جدید) از آن دسته هستند و خمسی در خانه‌ای که انسان در آن ساکن است و در اثاثیه استفاده شده و در ماشینی که انسان برای رفت و آمد نیاز دارد و در منبع درآمد انسان، نیست و اگر انسان دارای خانه‌ای دیگر یا ماشینی دیگر یا منبع درآمد دیگر باشد، خمس در آنها واجب است.

احمد الحسن

جمادی الأولى / ۱۴۲۶ هـ.ق

● جواب‌های روشن‌گرانه / جزء دوم - سؤال هجدهم

لطفاً جواب‌های خود به سؤالات متعلق به خمس را ارسال بفرمایید.

فرستنده / صباح المهدی

س/ خمس بر چه کسی واجب است و آیا بر فقیران و مساکین واجب است؟ و فقیران و

مساکین در زمان ما چه کسانی هستند؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

بر هر مکلفی واجب است؛ مانند نماز و روزه و موارد دیگر و مواردی که خمس در آنها

واجب است در کتاب شرائع موجود می‌باشند.

س/ شخصی که قبلاً خمس نداده است، چگونه خمس پردازد و آیا خمس شامل تمام

دارائی‌های خانواده اعم از استفاده شده و استفاده نشده، اثاثیه و وسایل خانگی و وسایل

الکترونیکی و لباس و غیره، می‌شود؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

خمس در منزل مسکونی و اثاثیه استفاده شده‌ای که در خود دارد و ماشین شخصی واجب

نیست و همچنین اصل سرمایه کارش به اندازه‌ای که خرج سالش را تأمین کند، مورد عفو قرار

می‌گیرد؛ یعنی اگر وی محل کاری داشته باشد و از آن درآمدی به دست می‌آورد که فقط به

اندازه خرج سالانه‌ی وی را کفاف می‌کند، خمسی بر محل کار نیست. اما اگر درآمد، اضافه

آید، از اصل به اندازه نسبت مازاد بر خرجی سال، خمس داده می‌شود؛ یعنی اگر خرجی سال

وی (۲) و درآمد محل کار (۴) باشد، وی خمس نصف اصل (محل کار) را می‌دهد. و زمین

خانه مسکونی وی خمس ندارد و زمین‌های غیر آن که مالک آنهاست، خمس آنها را می‌دهد

و هر آنچه مال دارد به جز آنچه ذکر شد، خمس آن را می‌پردازد؛ این به صورت اجمالی بود و

موارد دیگری وجود دارند که در آنها است.

س / حکم مبلغی که به منظور خرید قطعه زمین مسکونی برای کسی که مسکن ملکی ندارد، جمع می‌شود، چیست؟ با وجود این که هیچ مازادی از خرجی سالیانه به جز این مبلغ وجود ندارد؟

ج / بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

در صورتی که قبلاً خمس آن داده نشده باشد، خمس آن پرداخت می‌شود و اگر شخص از کسانی بود که خمس را به صاحب شرعی آن اداء می‌کنند، مبلغ مذکور خمسش پرداخت نمی‌شود تا زمانی که موعد ابتدای سال خمسی وی فرا برسد و با آن خانه‌ای برای سکونت نخریده باشد.

س / کارمندی پاداشی سالانه از شرکتی که در آن کار می‌کند دریافت کرد؛ آیا مستوجب پرداخت خمس آن پاداش می‌شود؟ و در صورت وجوب، آیا دادن خمس هنگام دریافت آن است یا هنگام حلول سال خمسی؟ و اگر این پاداش را برای بر طرف کردن خرج سالانه‌اش بخواهد مصرف کند، آیا خمسی بر آن است؟ و آیا این [حکم] بر هدیه غیر نقدی [نیز] جاری است؟

ج / بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

آن چه از پاداش در هنگام حلول سال خمسی باقی می‌ماند، خمسش داده می‌شود و در هدیه

غیر نقدی به همین صورت است، خمس آن را در صورتی که استفاده نکرده باشد، در رأس سال می‌دهد.

س/ آیا خمس بر زیورآلاتی که زن استفاده می‌کند، واجب است؟ و خمس طلا و نقره‌ای که به صورت گنج نگهداری شود و استفاده نشده باشد، چیست و نصاب آن چیست؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

زیورآلاتی (طلا و نقره و غیره) که زن برای زینت استفاده می‌کند، خمس ندارد و اگر از آنها استفاده نمی‌کند، خمس دارد و نصاب در خمس در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه در زکات در نظر گرفته می‌شود.

س/ آیا خمس در مبالغی که انسان در حساب کودکان خود که به سن تکلیف نرسیده‌اند، پس انداز می‌کند، واجب است؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

خمس بر کودک واجب نیست؛ لیکن در مال وی است؛ پس بر ولی واجب است که خمس را از مال کودک غیر بالغ سوا کند و آلا او، خود هنگامی که بالغ شود، خمس مال خود را می‌دهد.

س/ اگر شخص نصاب طلا و نقره یا غلات چهارگانه را دارا نباشد، آیا خمس در عوض زکات وی را کفایت می‌کند؟ و زکات چه موقع واجب می‌شود و شروط آن چیست؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

تفصیل بیشتر در مورد خمس و زکات را در کتاب شرائع ذکر نمودم، از برادران تمنا دارم

که آن را منتشر و به شما برسانند.

س/ حکم خمس در سرمایه برای شراکت در کاری تجاری چیست؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

پاسخ در جواب‌هایی که گذشت، موجود است.

● جواب های روشنگرانه / جزء سوم

۱) سؤال: با سید احمد الحسن (علیه السلام) بیعت می‌کنم ...

می‌خواهم جزئی از حقوق مالی امام مهدی (علیه السلام) را ارسال کنم، وسیله چیست؟ تمنای پاسخ

را دارم، خداوند شما را نصرت دهد.

فرستنده: عمرو / مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

از خداوند مسئلت دارم که تو را برای خیر آخرت و دنیا توفیق دهد و تو را برای یاری حق

بر روی این زمین تا زمانی که در قید حیات هستی، راستی و درستی بخشد... اما خمس،

می‌توانی آن را به محتاجان از مؤمنان و مؤمنات در کشور، مصر، بدهی و از خداوند

می‌خواهم که تو را برای این کار موفق گرداند و می‌توانی برای شناخت نیازمندان در کشور

از برادران انصاریات سؤال کنی، خداوند شما را حفظ کند و برای هر خیری موفق بدارد.

احمد الحسن

(۲) س ۳: حکم کسی که به دعوت حق وارد شده است و قبلاً به فقهای گمراهی خائن خمس می پرداخت، چیست؟ آیا باید از نو خمس بدهد؟ و چنین انسانی بعد از در آغوش گرفتن حقی که آوردید، باید چه کند، در حالی که وی دارای خانه یا زمین یا املاک دیگری است؟

خادم گناهکار شما: ابو محمد، علی انصاری

پاسخ سؤال سوم: خمس در مازاد است و نه در آنچه که نیاز را بر طرف می کند؛ پس اگر مالک یک خانه باشی، خمسی در آن و در اثاث در حال استفاده آن و در ماشین شخصی و در منبع درآمد که فقط نیاز و حاجت تو را بدون مازاد بر طرف می کند، نیست. اما اگر مالک خانه ای دیگر یا زمینی یا ماشینی دیگر باشی، خمس آن ها پرداخت می شود؛ اما منبع درآمد (مغازه ای برای تجارت یا کارخانه ای یا مزرعه ای)، اگر تولید آن از نیازت افزون باشد، از اصل سرمایه به اندازه نسبت مازاد، خمس می دهی و اما تولید یا مال، خمس آن چه از نیازت در آخر سال افزون می آید را می دهی.

احمد الحسن

(۳) یکی از برادران انصاری، این گونه پرسید: مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ هزار کرون سوئدی دارم، می خواهم خمس مالم را بدهم و خانه یا قطعه زمینی ندارم و من به همراه همسرم زندگی می کنم و فرزندی ندارم و در آپارتمانی اجاره ای در سوئد ساکنم...

خادم شما: ابو حسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صل الله على محمد و آله محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً

خمس در مازاد است و نه در آنچه که نیاز را بر طرف می کند؛ پس اگر مالک یک خانه باشی، خمسی در آن و در اثاث در حال استفاده آن و در ماشین شخصی و در منبع درآمدی که فقط نیاز و حاجت تو را بدون مازاد بر طرف می کند، نیست. اما اگر مالک خانه ای دیگر یا زمینی یا ماشینی دیگر باشی، خمس آن ها می دهی؛ اما منبع درآمد (مغازه ای برای تجارت یا

کارخانه‌ای یا مزرعه‌ای)، اگر تولید آن از نیازت افزون باشد، از اصل سرمایه به اندازه نسبت مازاد، خمس می‌دهی و اما تولید یا مال، خمس آن‌چه از نیازت در آخر سال افزون می‌آید را پرداخت می‌کنی و خمس مال مازاد تنها یک بار داده می‌شود و اگر تا سال دیگر باقی ماند، خمس آن بار دیگری داده نمی‌شود.

و درباره سؤال: خمس فقط در مبلغ مازاد است و می‌توانی شخصاً خمس را به مؤمنان محتاج بدهی.

احمد الحسن

(۴) س ۳/ اگر خمس مبلغی معین داده شده باشد و یک سال بگذرد و مقداری از آن بماند، آیا بار دیگر خمس آن پرداخت می‌شود؟

ج س ۳/ بار دیگر خمس آن پرداخت نمی‌شود.

• پاسخ‌هایی از ایشان (علیه‌السلام) به مسائلی به صورت دست نوشته.

(۱) آیا مسأله خمس در (مازاد از خرجی سال) که امروزه رایج است، در زمان رسول خدا ﷺ موجود بود؟ و آیا سهمی برای سادات از بنی‌هاشم وجود دارد؟ پس اگر سهمی دارند، چرا امیر مؤمنان (علیه‌السلام) آن سهم را به برادرش عقیل در داستان معروف نداد، بلکه بر حسب فهم قاصر ما به وی همانند مردم عطاء کرد؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

به عنوان تشریح، آری موجود بود؛ اما به عنوان تطبیق و اجراء موجود نبود و آن به دلیل عدم تحمل آن توسط مردم بود؛ پس پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) برای آن‌ها تخفیف قائل شدند و خمس از آن امام (علیه‌السلام) است؛ حق دارد آن از مردم ساقط کند؛ اما اهل بیت امام یا سادات، عیال و خانواری بر امام هستند و امام علی (علیه‌السلام) در حق عقیل کوتاهی نکرد و لیکن عقیل خواهان مالی بود که با آن ثروتمند شود و به مقداری که حاجت و نیازش را بر طرف می‌کرد، راضی نبود.

۲) س/ زمین زراعتی دارم که در آن تعدادی از نخل که تعداد آنها ۳۰ عدد است، وجود دارد و در آن موتوری است که از آن برای آبیاری زمین کشاورزی استفاده می‌کنم و از زمین کشاورزی برای اطعام گاوها که تعدادشان شش رأس است، بهره می‌برم، آیا همه اینها یک منبع درآمد واحد به حساب می‌آیند یا متعدد؟ خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما بدهد.

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين

زمین و نخلستان و موتور آبیاری یک منبع درآمد و گاوها منبع درآمد دیگر هستند.

۳) س/ درآمدهای متعددی دارم و هم‌چنین حقوق ماهیانه، آیا خمس حقوقم را همان‌گونه که خمس درآمدهایم را می‌دهم، پرداخت کنم؟ یا آن از حق شرعی معاف است؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين

ابتدا کسی که می‌خواهد خمس دهد و بیش از یک منبع درآمد دارد، حق دارد که یک منبع درآمد را انتخاب کند تا از خمس معاف باشد (یعنی سرمایه خود را به مصدر اختصاص دهد) و اگر در جمله مصادر روزی وی حقوق ماهیانه‌ای باشد که کفاف وی را می‌کند، منبع درآمد غیر آن معاف نمی‌شود؛ اما حقوق ماهیانه، آنچه از آن در رأس سال خمسی وی باقی‌ماند، خمسش را می‌دهد.

۴) س/ مبلغ ۲۱۵ هزار در ماشینی دارم و آن ماشین متعلق به خانواده‌ام است، البته باید بدانید من ماشین را برای امور شخصی (به عنوان راننده) استفاده می‌کنم و نیازهای آن‌ها را با آن بر طرف می‌کنم، حکم مبلغ از لحاظ شمول آن بوسیله خمس چیست؟

ج/ بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين

اگر ماشین دیگری نداشته باشی، مبلغ ذکر شده مشمول خمس نمی‌باشد.

ضمیمه (۳)

صله امام (علیه السلام)

متشابهات / جزء چهارم

در پاسخ سؤال (۱۵۰) ایشان (علیه السلام) فرمودند: (... و راه آسانی برای آمرزش تمام گناهان وجود دارد، خداوند متعال فرمود: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾،^(۱) (کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او باز گردانده می‌شوید). و از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که این آیه: (فی صلة الإمام)^(۲)، (در صله امام است) و نیز از آنها (علیهم السلام) نقل شده است که این آیه: (فی صلة الرحم، والرحم رحم آل محمد خاصة)،^(۳) (در صله رحم است و رحم، رحم (خویشاوندان) آل محمد (علیهم السلام) به طور اختصاص است). خداوند از صله امام (علیه السلام) به عنوان وامی به خودش سبحانه و تعالی یاد می‌کند و اوست که آن را جبران و پرداخت می‌کند و صله امام به چند صورت است؛ از جمله: صله با مال و صله با عمل همراه ایشان و جهاد در پیشگاه ایشان با زبان و سلاح برای اثبات حق ایشان (علیهم السلام).

و حتماً عمل همراه امام برتر از اعطای مال به ایشان است؛ زیرا عمل بدن را دچار رنج و خستگی شدید می‌کند و شاید موجب هلاک شدن جسم وی در صورت جهاد وی در پیشگاه امام با زبان و سلاح شود.

پس چقدر رحمت عظیم خواهد بود، اگر حجت در بین مردم باشد، از جهت گشوده شدن این درب عظیم و آن این است که انسان با صله امام (علیه السلام) به خدا وام داده خواهد بود؛ پس روز قیامت در پیشگاه خداوند می‌ایستد و خداوند این قرضش را اداء می‌کند و این بنده اگر به

۱. البقرة: ۲۴۵.

۲. مراجعه شود به: الکافی: ص ۵۳۷، باب صلة الإمام (علیه السلام).

۳. بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۷۹ ح ۶.

تعداد دانه‌های ماسه خشکی‌ها، گناه همراه داشته باشد، برای وی آمرزیده خواهند شد؛ زیرا او قرض و وامی نزد خدا، قاضی روز جزاء دارد و او در مقابل اندک، فروان می‌بخشد و بخشش وی بدون حساب است و خدا تمام قرض‌ها و گناهان این بنده در حق بندگان را پرداخت و جبران می‌کند و او را بدون حساب وارد بهشت می‌کند).

● و در پاسخ سؤال (۱۶۵)، فرمود: (... ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾^(۱)، (و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد).

خواستن دنیا به چیزی جز نیت و روی‌گردانی از آخرت نیاز ندارد؛ اما خواستن آخرت به ایمان به ولی اعظم خدا و حجت او در هر زمان و نیز به تلاش همراه ولی خدا و حجت بر مردم در هر زمان نیاز دارد و این تلاش جزء قرضی است که خداوند متعال درباره آن فرموده: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^(۲) (کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دو چندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد).

و به خداوند قرض می‌دهد؛ یعنی: صله‌ای به امام می‌دهد؛^(۳) یا مادی با اموال یا با کوشش خود همراه ولی خدا تلاش می‌کند و همراه ولی خدا با زبان و سلاح جهاد می‌کند و صله اخیر قطعاً از اولی بهتر و افضل است.

۱. الإسراء: ۱۹.

۲. الحديد: ۱۴.

۳. مراجعه شود به: الکافی: ج ۱ ص ۵۳۷، باب صله امام و در آن هفت حدیث وجود دارد؛ از جمله: خیرری و یونس بن ظبیان می‌گویند: (سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما من شيء أحب إلى الله من إخراج الدرهم إلى الإمام، وإن الله ليجعل له الدرهم في الجنة مثل جبل أحد، ثم قال: إن الله يقول في كتابه: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾، قال: هو والله في صلة الإمام خاصة)، (کاری نزد خدا محبوب‌تر از رسانیدن درهم به امام نیست. همانا خدا، درهم را در بهشت مانند کوه احد برای وی، قرار می‌دهد؛ خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: (کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا وام او را بسیار چند برابر سازد)، امام فرمود: به خدای، این وام اختصاصاً صله امام است).

و کسانی که بعد از ایمان به ولی خدا همراه ایشان تلاش می کنند، چون ایمان به ولی خدا همان ایمان به خدای سبحان و متعال است ﴿سَعَيْتُمْ مَشْكُورًا﴾، (تلاش آن‌ها مورد قدردانی واقع خواهد شد)؛ و کسی که از آن‌ها قدردانی خواهد کرد، خدای سبحان و متعال خواهد بود؛ زیرا آن‌ها به خود او قرض و وام دادند و خدای سبحان این امر (تلاش همراه امام) را قرضی برای خدا قرار داد و بازگرداندن آن بر خداست و بازگرداندن خدا، قدردانی از اینان خواهد بود؛ زیرا آنان بندگان شکر گزار هستند و شکر نعمت خدا بر خود با ولی خدا را به جا آوردند و همراه ولی خدا به سوی خدا کوشش نمودند، ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾،^(۱) (و از بندگان من اندکی سپاس گزارند).

و قدردانی خداوند از بنده‌ای، نعمتی است که همتا ندارد؛ زیرا این نعمت مختص آل محمد (علیهم السلام) است و هر کس که خداوند از وی قدردانی کند از آن آنان خواهد بود، (سلمان منا أهل البيت)،^(۲) (سلمان از ما، اهل بیت است). ببینید خداوند متعال در سوره ایشان، "هل أتى"، چه فرموده است: ﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾،^(۳) (این، برای شما پاداشی است و کوشش شما سپاس و قدردانی شده خواهد بود)، و این کسانی که کوشش آن‌ها در سوره (هل أتى) سپاس شده است، محمد ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه و مهدیین (علیهم السلام) هستند و هر کس مانند آن‌ها تلاش کند و ولایت آن‌ها داشته باشد و همراه آنان با مال و قلب و زبان و دست جهاد کند، از آن‌ها خواهد بود، ﴿فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾،^(۴) (آن‌ها که تلاش آن‌ها مورد قدردانی واقع خواهد شد)، یعنی از ما، اهل بیت هستند).

اسحاق بن عمار از ابی ابراهیم (امام موسی بن جعفر) (علیه السلام) نقل می کند، می گوید: (سألته عن قول الله عز وجل: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾، قال: نزلت في صلة الإمام)، (از وی درباره فرموده خدای عزوجل: (کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دو چندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد)، فرمود: درباره صله امام نازل شد).

۱. سیأ: ۱۳.

۲. عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج ۱ ص ۷۰ ح ۲۸۲.

۳. الإنسان: ۲۲.

۴. الإسراء: ۱۹.

فهرست کتاب:

- ۴ نصیحت رساله:
- ۵ مقدمه
- ۱۱ فقه خمس و ضمیمه آن
- ۱۲ محور نخست: دمر واجب بودن خمس
- ۱۷ محور دوم: دمر اموری که خمس دمر آن واجب است
- ۱۷ اول: غنائم
- ۱۷ دوم: معادن
- ۱۸ سوم: گنجها
- ۲۰ چهارم: همه آنچه انر دمر یا با غواصی خارج می شود
- ۲۱ پنجم: زمینی که اهل ذمت آن را انر مسلمان خریده است
- ۲۱ ششم: حلال مخلوط با حرام
- ۲۱ هفتم: آنچه انر خرجی سال اضافه آید و آنچه بدان ضمیمه می شود
- ۲۲ اول: تشریح خمس دمر آنچه انر خرجی سال اضافه آمده است
- ۲۴ دوم: مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمسی
- ۲۵ سوم: خمس دمر مقدار افزون بر نیانر خواهد بود
- ۲۶ چهارم: پرداخت خمس منبع دمر آمد (مغانره، شرکت . . . و شبیه به آن)
- ۲۷ پنجم: متعدد بودن منبع دمر آمد
- ۲۸ ششم: حقوق کارمندان
- ۲۹ هفتم: مال اندوخته (پس اندانر) برای انردواج یا حج یا خرید مسکن

- هشتم: خمس آنچه در دست نباشد و تنگنای (مضيقه) مالی ۲۹
- نهم: اموال کودکان ۳۰
- محور سوم: در تقسیم خمس ۳۱
- خاتمه: در خارج کردن خمس و تحویل آن ۳۳
- محور چهارم: در انفال ۳۵
- محور پنجم: در صله امام (علیه السلام) ۳۶
- ضمیمه (۱) ۳۹
- متن کتاب خمس اثر کتاب شرایع الاسلام ۳۹
- فصل اول: آنچه خمس در آن واجب است ۳۹
- فصل دوم: در تقسیم آن ۴۱
- ضمیمه (۲) ۴۳
- سؤالات متفرقه در باره خمس ۴۳
- پاسخهایی از ایشان (علیه السلام) به مسائلی به صورت دست نوشته ۴۹
- ضمیمه (۳) ۵۰
- صله امام (علیه السلام) ۵۱